

بسم الله الرحمن الرحيم

## شروع مراسم از محل حرکت دادن نخلها

محمد حنفیه

السلام ای عندلیب باغ بستان رسول  
السلام ای نوگل گلزار زهرای بتول  
ای برادر ای حسین جان ای امام بحر و بر  
کرده‌ای جان اخوا از بهر چه عزم سفر  
نیست اکنون وقت رفتن ای برادر زین مکان

\*\*\*\*\*

## امام جلو نخلها

ای برادر جان محمد نور چشمانم علیک  
نوگل باغ علی ای سرو بوستانم علیک  
حکم گردیده بمن از خالق ارض و سما  
تا روم جان اخوا در سرزمین کربلا

\*\*\*\*\*

محمد حنفیه

کنون که عزم سفر کرده‌ای برادر من  
مرو بکوفه برو یا اخابه مُلک یمن  
بود به مُلک یمن شیعۀ علی بسیار  
بخدمت تو بکوشند نی کنند آزار  
مرو بکوفه که آبت کسی نخواهد داد  
ز راه مهر جوابت کسی نخواهد داد

\*\*\*\*\*

**امام حسین**

خیال می‌کنی ای نور چشم خونبارم  
 که من بمیل خودم عزم کربلا دارم  
 شده است حکم بمن از خدای رب جلیل  
 روم بکربلا یا ابا بصد تعجیل  
 روم بکوفه براه خدا شهید شوم  
 شهید ظلم ستمکاری یزید شوم

\*\*\*\*\*

**محمد حنفیه**

برای کشته شدن گر روی بکربلا  
 مبر بهمراه خود یا ابا تو زینب را  
 مبر تو طفل صغیر و مبر تو اهل حرم  
 ز بعد قتل تو گردند اسیر نامحرم

\*\*\*\*\*

**امام حسین**

یقین بدان که بود آن رضای یزدانم  
 که من شهید شوم با همه جوانانم  
 حریم آل محمد (ص) اسیر و زار شوند  
 اسیر و زار بهر شهر و هر دیار شوند

\*\*\*\*\*

**محمد حنفیه**

مرو در کربلا ای دل فکارم  
 که من تاب فراق را ندارم  
 بیا ده اذن بر این زار افکار  
 که همراهت بیایم با دل زار  
 اگر بیمارم و حال پریشان  
 شوم در کربلا بهر تو قربان

\*\*\*\*\*

### امام حسین

مگو این سخن ای نور دیده حیدر  
 توئی مریض نداری اخا تو تاب سفر  
 برو فدات برادر دگر بسوی وطن  
 که بر مریض حرج نیست ای برادر من  
 چه در مدینه رسیدی تو ای حزین فکار  
 بکن نوازش صغرا علیه بیمار

بلافاصله \*\*\*\*\*

ز جای خیز تو عباس ای برادر جان  
 به بند اساس سفر را تمام بر شتران  
 برادر من غمدیده از ره یاری  
 هر آنچه هست لوازم تمام بردارید  
 برای اهل حریم کجا وه حاضر کن  
 تمام همسفران را تو شاد خاطر کن

بگو که تا به نشانند کجا وه زنها را

سکینه زینب و کلثوم و ام لیلا را  
 بگو به جمله اصحاب تا سوار شوند  
 از این میان زنان اندکی کنار شوند  
 بیار محمل زرین نگار ای سرور  
 برای خواهر من زینب الم پرور  
 بگو به خلق بپوشند جمله چشمان را  
 که تا ز خانه برون آید آن حمیده لقا  
 به پوش بر سر زینب تو چادر عصمت  
 بگیر بازوی او یا ابا بصد حرمت  
 علی و اکبر و قاسم و عون و عبدا...  
 به احترام بگیرید دور زینب را  
 به محملش به نشایند ای هواداران  
 روان شوید به مُلک عراق ای یاران

\*\*\*\*\*

### حضرت عباس

به چشم آنچه بفرمائی ای برادر جان  
 اطاعت تو نمایم من از ره احسان  
 نظر نما تو ایا خواهر کشیده تعب  
 عروس حجله ناموس انبیا زینب  
 ز جای خیز تو ای خواهر الم پرور  
 که عازمم به ملک عراق ای خواهر  
 ز جای خیز که شد مدعای ما حاصل  
 که تا تو را به نشانم ز مهر در محمل

ایا جماعت یاران سبط پیغمبر  
ایا ضیاء دلم قاسم و علی اکبر  
نموده عزم سفر بسط احمد مختار  
روانه است به مُلک عراق با دل زار  
ایا صحابه و انصار از طریق وفا  
روان شوید تمامی بسوی کربلا  
بکربلا برسانم که آرزو دارد  
میان روضه بسی عرض و گفتگو دارد

\*\*\*\*\*

### امام حسین

ای جمله صحابه و ای یاوران من  
بر من دهید گوش شما همرهان من  
من می‌روم به کربلا کشته می‌شوم  
از جور اهل ظلم بخون خفته می‌شوم  
هر کس که میل یاری من دارد از وفا  
آید به همره من و یاران بکربلا  
ای یاوران من همه اکنون روان شوید  
آواره از دیار هم از خانمان شوید  
هر که دارد هوس کربلا بسم ...  
هر که دارد سر همراهی ما بسم ...

\*\*\*\*\*

یک نفر چاو شی می‌کند از محل حرکت دادن نخلها تا میدان قتلگاه با  
اشعار به کربلا برسانم که آرزو دارم....

## شروع مراسم در میدان قتلگاه

### امام حسین

کسی بود که بداند ز نام این صحرا  
که تا شوم من دل خسته آگه از اینجا

\*\*\*\*\*

### ظهیر

سلام من به تو ای پادشاه جن و بشر  
چه مطلب است بیان کن به من ایا سرور

\*\*\*\*\*

### امام حسین

علیک من به تو باد ای ظهیر نیک لقا  
بیان نما تو به من نام این زمین بلا  
که سرّهای نهانی از آن شود افشا

\*\*\*\*\*

### ظهیر

سرم فدای قدم تو باد ای آقا  
که قاضیّه بود نام این زمین بلا  
جماعتش مسمّی' به نینوا گویند  
ولی جماعت دیگر بکربلا گویند

\*\*\*\*\*

### امام حسین

إِنَّا لِلّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ  
گر نام این زمین به یقین کربلا بود

اینجا مُحل ریختن خون ما بود  
 اینجا بود که تیغ بآل علی کشند  
 سرهای سروران همه از تن جدا شود  
 کار مُخدرات من اینجا تباه شود  
 اینجا بود که ماتم آل عبا شود  
 تمام همسفرانم بجا ستاده شوید  
 مخدرات ز جمازه‌ها پیاده شوید  
 بار بگشائید که اینجا خون ما خواهند ریخت  
 خون پاک ما بدشت کربلا خواهند ریخت

\*\*\*\*\*

### حضرت عباس

اهل حریم حسین بار به منزل رسید  
 کشتی آل عبا نیز به ساحل رسید  
 زینب خونین جگر خواهر والا گهر  
 خاک بیفشان بسر بار به منزل رسید

\*\*\*\*\*

اسبها و شتران از میدان قتلگاه خارج شوند و ابن سعد شروع به رجز خوانی می‌کند.

### ابن سعد

اول سلام و بر نبی و آل او تمام  
 دوم سلام بر همه جمع خاص و عام  
 سوم: سلام بر همه از پیر و جوان و زن و مرد  
 خوش آمدید در بر سجاد شیعیان

بی شک که حاضر است در اینجا نگره امان  
 پس واجب است بر همه حضار در این زمان  
 با فدن و با ادب بنشینید به احترام  
 یک دانه اشک گر بشود جاری از دو عین  
 البته آن بود که با همت شما  
 بر پا کنید تعزیه شاه کبریا  
 بنشین و تو بده گوش به این مجلس ما  
 تا شفیع تو شود پادشه کربلا  
 بلافاصله \*\*\*\*\*

ای محبان حسین اینجا نه دشت کربلاست  
 نه سپاه از کوفه و نه لشکر از شام بلاست  
 ما شبیه روز عاشورا اگر بر پا کنیم  
 مقصد ما سوگواری خامس آل عباس است  
 هر که در این تعزیه اجرای نقشی می کند  
 یک نفر هست ابن سعد و دیگری شمر دغا است  
 \*\*\*\*\*

### شروع نقش حر - حر با اسب وارد میدان می شود

**حر**

زدور خیمه و خرگاه آیدم بنظر  
 ز سمت دیگر خیمه فوجی از لشکر  
 ستاده اند جوانان چو پرتو خورشید  
 که نور از رخ هر یک رود بعرش مجید  
 گمانم آنکه حسین نور دیده زهراست



زنور اوست منور تمام عرش اعلا  
 زنید طبل دف نای ای سپاه شوم شرار  
 که بشکند دل فرزند احمد مختار

\*\*\*\*\*

### امام حسین

بیا به نزد من عباس ای برادر جان  
 به بین چقدر سواره پیاده گشته عیان  
 نظاره کن توبه این قوم ای سپه سالار  
 برو به بین چه کسانی با که دارند کار  
 به بین که کیست سپه‌دار خیل این عسکر  
 خبر بیار بزودی برم ایا سرور

\*\*\*\*\*

### حضرت عباس به نزد حر می‌رود

#### حضرت عباس

به چشم آنچه تو گوئی ایا گل بی خار  
 کنم اطاعت از جان دل من افکار  
 سپاهیان ز کدامین دیار آمدئی  
 چه واقعست که رخ پرغبار آمدئی  
 بیان کنید به من چیست نام میر شما  
 ز کیست این همه جمعیت روی به کجا

\*\*\*\*\*

### آب آماده شود

#### حر

تو کیستی که زجمعیت سپاه زیاد  
کنی سئوال ایا نوجوان نیک نهاد

\*\*\*\*\*

### حضرت عباس

منم یکی ز غلامان سبط پیغمبر  
شما کئید کجا می‌روید ای لشکر

\*\*\*\*\*

### حر

ای جوان هستیم ما مأمور از ابن زیاد  
ساخته ما را روانه از پی جنگ و جهاد  
این سپاه از کیست که آید در نظر  
همچو مژگان غزالان حرم بستند صف  
نور از این خرگاه می‌گردد عیان تا آسمان  
گوئیا باشد حسین فرزند شاه انس جان

\*\*\*\*\*

### حضرت عباس

این سپاهی را که می‌بینی که آید در نظر  
چون حقیرش می‌شماری ای یل پرخاش گر  
این سپاه با سعادت از حسین ابن علی است  
میرا این لشکر حسین فرزند دل بند نبی است

\*\*\*\*\*

### حر

تو کیستی که سر راه بما گرفتی تنگ  
مگر نسبت ز که داری ایا فلک اورنگ  
عجب به چهره شباهت به مرتضی داری  
مگر نسب تو ز سالار کربلا داری  
تو نام خویش بیان کن به من ایا سرور  
بود شباهت تو با علی امام بشر

\*\*\*\*\*

### حضرت عباس

ز نامم چه پرسوی ایا نامدار  
منم زاده شیر پروردگار  
مرا نام عباس شیراوژن است  
سر سرکشان در کمند من است

\*\*\*\*\*

### حر

منم حر جوان ریاحی نسب  
نباشد هم آورد من در عرب  
کمان گر بجنباند اسفندیار  
بود نزد من کودکی نی سوار  
گریزد زمن عمر بن عبدو  
بمردی بود گر چه کوه احد

\*\*\*\*\*

## حضرت عباس

علمدار این خیل لشکر منم  
 حسین علی را برادر منم  
 مرا بر میان ذوالفقار علی است  
 مرا افتخار از علی ولی است  
 سیاهی لشکر نیاید بکار  
 یکی مرد جنگی به از صد هزار  
 اگر اذن جنگم دهد شهریار  
 برارم ازین خیل عدوان دمار  
 ولی بسته دست قضا دست من  
 بود حلم تقدیر پابست من

\*\*\*\*\*

## حر

مگو با من عباس و از پر دلی  
 نژادست ز مادر چو حر هم یلی  
 نبودی اگر حرمت مرتضی  
 نبودی اگر حرمت مصطفی  
 همین دم به بینی که با تیغ تیز  
 سر سروران را کنم ریز و ریز

\*\*\*\*\*

## حضرت عباس

مگو با من ای حر دلیری خویش  
 اگر مرد هستی قدم نه به پیش

به بینی نبرد علی ولی  
 درین رزم گردد بتو منجلی  
 در اینجا برای چه کار آمدی  
 پی صلح یا کار زار آمدی

\*\*\*\*\*

### حر

زکوفه به فرمان ابن زیاد  
 برون آمدم با سپاه زیاد  
 بگیرم سر راه را بر حسین  
 بیندازم اندر جهان شور و شین  
 زخون تر کنم کاکل اکبرش  
 کنم ارغوانی رخ انورش  
 بگو با حسین آن امام زمان  
 که حر آمده با سپاه کران

\*\*\*\*\*

### حضرت عباس

ای برادر خبرت نیست چه غوغا برپاست  
 این همه خیل عسا کر پی خون ریزی ماست  
 حر بود میر سپهدار ریاحی نصب است  
 سپه از زاده مرجانه همان بی ادب است  
 آن قدر هست که معلوم نشد مذهب شان

نیست جز کشتن اولاد علی مطلب شان

\*\*\*\*\*

### امام حسین

خطاب من بتو ای خسرو معاشر ناس  
برادر من دل خسته حضرت عباس  
برو تو زود به نزدیک سرور لشکر  
بگو که خوانده تو را نور چشم پیغمبر

\*\*\*\*\*

### حضرت عباس

به چشم آنچه تو گوئی ایا برادر جان  
روم به گفته تو من به جانب میدان  
خطاب من بتو ای حرّ سرور لشکر  
طلب نموده تو را نور چشم پیغمبر

\*\*\*\*\*

### حر

سلام من بتو آقای عرش مقدارم  
منم کمینه غلام تو حر افکارم  
چرا ز روضه جدت حسین برون شده ای  
در این بلیه گرفتار رهنمون شده ای

\*\*\*\*\*

### امام حسین

علیک من بتو ای حرّ سرور لشکر  
امیر میر سپهدار خیل این عسکر

بگو برای چه کار آمدی به کربلا  
برای جنگ و یا از برای یاری ما  
اگر بیاری ما آمدی جزاک الله  
و گر به جنگ تو میدانی و رسول الله

\*\*\*\*\*

### حر

بریده باد زبانم به جنگ آمدهام  
ولی ز زندگی خویش به تنگ آمدهام  
نموده حکم عبید زیاد بی پروا  
که چون رسم به تو ای برگزیده زهرا  
فرود آورمت در حوالی بی آب  
که تا شود جگر عترت ز عطش کباب

\*\*\*\*\*

### امام حسین

به سینه تخم فساد من از چه می کاری  
ز قتل من چه شود آنکه دست برداری  
گذار ای حر فرخ سیر روم من زار  
ازین دیار بسوی فرنگ و روم و تتر

\*\*\*\*\*

### حر

نه به شهر کوفه راحت می دهی نه در عراق  
نه گذارم سوی یثرب پا گذاری از نفاق  
عزم آن دارم که در این دشت پرخوف و محن

یا بگیرم از تو بیعت یا دهم بر باد تن

\*\*\*\*\*

## امام حسین

خدای بشکند ای حر کنون دهانت را  
کنی تو حکم کنم بیعت یزید دغا  
برو که مادرت اندر عزات بنشیند  
سرت ز پیکر تو این زمان جدا بیند

\*\*\*\*\*

## حر

یابن بنت المصطفی آتش زدی بر پیکرم  
بی سبب بردی در این هنگام نام مادرم  
گر کسی دیگر بمن گفت این سخن ای شهریار  
پیکرش را چاک می کردم به تیغ آبدار  
یا که نام مادرش می بردم ای والا مقام  
من چگویم در جواب تو زبانم لال باد  
مادر تو فاطمه بنت رسول اطهر است  
بهترین خلق عالم دختر پیغمبر است

\*\*\*\*\*

## امام حسین

تو خود مرا پسر فاطمه خطاب کنی  
چرا به من تو چنین ظلم بی حساب کنی  
کنی تو حکم کنم بیعت یزید دغا



نمی‌شود به خداوند قادر یکتا

\*\*\*\*\*

## کوزه آب یا چند لیوان آب آماده شود

**حر**

حسین جان غلط نمودم این حرف بر زبان راندم  
که نام فاطمه با عتاب من خواندم  
غلط نمودم در کار خویش حیرانم  
و لیک مصلحت خویش را چنین دانم  
چه شب بدست بیاید برو بسوی وطن  
که با خبر نشود این جماعت دشمن

\*\*\*\*\*

## امام حسین

خدا شود ز تو راضی ایا نکو منظر  
جزای خیر بیابی ز خالق اکبر

\*\*\*\*\*

**حر**

شوم فدای تو ای نور دیده احباب  
تمام لشکرم از تشنگی شدند بی تاب  
بده تو آب به این لشکرم ز راه کرم  
سرم فدای قدم تو ای امام امم

\*\*\*\*\*

**امام حسین**

موالیان به سپاه رسیده آب دهید  
 به این گروه شما آب از ثواب دهید  
 بیا تو حر ز من این جام آب را بستان  
 بنوش آب ز دست حسین درین هامون

\*\*\*\*\*

**حر**

مرحمت بین که در این وادی پر خون محن  
 می‌دهد آب حسین ابن علی بر دشمن  
 منکه شمشیر کشیدم به رخس آبم داد  
 آنکه گرید ز غمش کی رود او را از یاد

\*\*\*\*\*

**امام حسین**

خطاب من بتو ای حرّ سرور لشکر  
 بگو روند به کناری تو این همه عسکر  
 تو هم بگوشه‌ای نوجوان بگیر قرار  
 دمی سکوت نما ای جوان خوش کردار

\*\*\*\*\*

**حر**

سپاهیان به کناری روید سرتاسر  
 شوید دور شما از حریم پیغمبر  
 شود چه صبح نمائیم حمله از طرفین

بنای حرب گذاریم با امام حسین

\*\*\*\*\*

### امام حسین

خطاب من بتو عباس ای سپه سالار  
برو به جانب این قوم ای نکو مقدار  
به ابن سعد بگو ای لعین بد اختر  
طلب نموده تو را نور چشم پیغمبر

\*\*\*\*\*

### حضرت عباس

به چشم آنچه تو گوئی ایا وفادارم  
اطاعت تو من از جان و دل بجا آرم  
خطاب من بتو ای ابن سعد شوم دغا  
طلب نموده تو را نور دیده زهرا

\*\*\*\*\*

### به نزد ابن سعد می رود

### ابن سعد

سلام من بتو ای سبط احمد مختار  
مرا برای چه کردی بنزد خود احضار  
بگو تو مطلب خود را ایا سپهر وجود  
بیان نمای که من اینزمان برآرم زود

\*\*\*\*\*

### امام حسین

علیک من بتو ای ابن سعد شوم دغا  
 چه فتنه است که امروز کرده‌ای برپا  
 بیان نما تو به من این چه رسم مہمانی ست  
 مگر به ملک عراق این رقم مسلمان نیست  
 شما جماعت کوفی هم ز خورد و کبار  
 به خدمت من محزون شدید نامه نگار  
 بکوفه‌ام طلبیدید ای جفاکاران  
 مرا شهید نمائید با همه یاران

\*\*\*\*\*

### امام حسین

بیا نشین ببرم لحظه‌ای بگیر قرار  
 بخواهم آنکه کنم با تو یک سخن اظهار  
 بگو به من تو ای ابن سعد بدآئین  
 چه دشمنیت تو را گو به من ایابی دین  
 اگر مرا شناسی ایالعیّن تباه  
 کنم معرفّی خویش تا شوی آگاه

\*\*\*\*\*

### ابن سعد

یقین بدان که تو را می‌شناسم ای سرور  
 توئی حسین علی نور چشم پیغمبر  
 ضیاء چشم بتولی امام عالمیان

گل ریاض جنانی شفیع بر خلقان

\*\*\*\*\*

### امام حسین

تو خود گوئی که فرزند رسولم  
ضیاء هر دو چشمان بتولم  
چرا داری روا بر من جفا را  
چرا بشکسته‌اید آن عهدها را  
عجب کردید بمن مهمان نوازی  
عجب کردی تو مکر و حيله بازی  
بیا کن خوف از فردای محشر  
بکن یاری من ای شوم کافر

\*\*\*\*\*

### ابن سعد

بر سرم باشد هوای ملک ری ای شهریار  
نگذرم از قتل تو امروز اندر کار زار  
گر تو را یاری نمایم ای امام دین پناه  
کوفیان بی حیا گردند ز حال من گواه  
باغ بستان مرا ابن زیاد بی حیا  
می‌شود از کین تصرف از ره جور و جفا  
کنم چه یاریت ای نور دیده زهرا  
بدان عبید زیاد آن لعین بی پروا  
تمام اهل عیال مرا اسیر کند

زنان دختر من را چه دستگیر کند

\*\*\*\*\*

### امام حسین

خدا دهان تو را بشکند ایا غدار  
مگو چنین سخنان ای لعین بدکردار  
مگر عیال تو بهتر بود ز خواهر من  
که خوار زار شود در میانه دشمن  
امیدوار چنانم ز خالق اکبر  
ز ملک ری نخوری گندم ای لعین شرر

\*\*\*\*\*

### ابن سعد

اگر گندم نبود ای با سعادت  
به نان جو کنم در ری قناعت  
مرا حبّ ریاست هست در دل  
فتادم من کنون بر راه باطل

\*\*\*\*\*

در این موقع ورود حضرت زینب به میدان قتلگاه آغاز می شود امام

حسین خطاب به زینب می گوید

### امام حسین

بگو تو زینب محزون چه شد سکینه من  
کجا است نور دو چشم و سرور سینه من  
برو بیار برم نور دیده هایم را

سکینه دختر با محنت آشنایم را

\*\*\*\*\*

### زینب (خطاب به امام حسین)

شوم فدای تو جاننا سکینه تب دارد  
هنوز واهمه ازهای هوی شب دارد  
ز بس که گریه نموده است او ز دوری باب  
ز تاب او شده رفته است این زمان در خواب  
فدای جان تو ای نور چشم شاه زمن  
طلب نموده تو را بابت ای سکینه من

\*\*\*\*\*

### سکینه (در این لحظه وارد میدان می شود)

#### سکینه خطاب به امام حسین

شوم فدای تو ای باب مضطر حیران  
شدم فکار پدر جان زهای و هوی خسان  
گرفته جان پدر خاطر از این سفرت  
ندانم آن که چه آید در این سفر بسرت

\*\*\*\*\*

#### امام حسین خطاب به سکینه

مکن تو گریه و زاری ایا سکینه من  
بیا دمی بکنارم سرور سینه من  
کنون به نزد توام باش خوشدل از هر راه  
سکینه جان پدر کم نما تو ناله و آه

\*\*\*\*\*

سکینه می‌رود به خیمه و شمر وارد میدان می‌شود و امام حسین در این لحظه اندکی به فکر فرو می‌رود و به شمشیر تکیه داده و می‌خواهد و موزیک و طبل برای ورود شمر به میدان نواخته می‌شود.

### ابن سعد

مطربا آهنک کن آمد بدشت کربلا  
شمر ذی الجوشن پی خون ریزی آل عبا  
ای مقنی نغمه‌ها سر کن به آواز بلند  
تا که از لحن حسین ابن علی آید نوا

\*\*\*\*\*

### شمر

ایا اهل عزا فرصت شمارید کربلا اینجاست  
غذی مت بشمر یداکنون که از باب و فایندجاست  
اگر داری بسر شوق زیارت نیست از ممکن  
زیارت کن که الحاصل شهید کربلا یدندجاست  
نه من شمرم نه یدندجا کربلا نه ابن سعد  
نه این لشکر ز شهر کوفه یا شام بلا یدندجاست  
نه این باشد حسین و نه زینب اندرین مجلس  
نه عباس علی نه اگر زیبا لقا اینجاست  
نه این باشد خیام عترت سلطان مظلومان  
نه یدندجا قتلگاه باشد نه قوم اشقیای یدندجاست  
غرض مقصود ما باشد عزاداری در این مجلس  
گواه عادل ما شاهد بزم عزا اینجاست  
الها حفظ فرما جا لسین بزم ماتم را



ز هر رنج و ز هر آفت ز هر درد و بلا اینجا  
 خصوصاً عالمان دین و سادات و خوانین را  
 رؤیسان و رعیت کدخدا و بینوا اینجا  
 ای اهل مجلس بر شما حافظ خدا باشد  
 نبی غمخوار و حیدر یار و مونس مجتبی باشد  
 زنان را حضرت زهرا کند یاری ز هر وادی  
 به مردان مونس و غمخوار شاه کربلا باشد  
 کنون بنواز ای مطرب دف و سرنا و چنگ و نی  
 بزن بر طبل ای طبّال آشوب و جفا اینجاست

**بلافاصله \*\*\*\*\***

بسم الله الرحمن الرحيم

میبرم بر حق پناه از شر شیطان الرحیم  
 لنگر بحر است بسم الله الرحمن الرحیم  
 گو به ساقی هر چه میخواهی بریز  
 گر همه زهر است بسم الله الرحمن الرحیم  
 می رسم از کوفه با سپاه فراوان  
 خدمت ابن سعد با ایالت و فرمان  
 به چه زمین است این زمین معطر  
 به چه بساط است در این میان بیابان  
 نافه آهو مگر فتاده در این دشت  
 میوزدم بوی مشک و عنبر و ریحان

شمر از اینجا به احتیاط گذر کن  
 لرزه به جانت فتد ز صولت شیران  
 میروم اینک به نزد سعد ستمگر  
 گویمش ای روسیاه شوم بداختر  
 گر تو سر صلح داری و سر بیعت  
 با پسر بوتراب از ره احسان  
 میزنم آتش به خیمه گاه حسینی  
 دود برآرم ز خیمه گاه به کیوان  
 جمله اطفال خرد سال حسین را  
 نرم نمایم ز ضرب سم ستوران

\*\*\*\*\*

**ابن سعد و شمر حرفی سخن می گویند:**

**شمر با ابن سعد**

۱. آمدم ای ابن سعد ۲. بهر جدال ۳. نه ۴. نه ۵. آیم ز شهر کوفه ۶. از نزد  
 عبیدالله ۷. میرانشکر ۸. نه ۹. نه ۱۰. نه ۱۱. خیر بر فوج کربلا ۱۲. نه ۱۳. نه  
 ۱۴. نه ۱۵. من حاکم پیاده و تو سواره ها ۱۶. جنگ ۱۷. با حسین ۱۸. بهر  
 بیعت ۱۹. کشته خواهد شد ۲۰. آن گذشت ۲۱. جنگ جنگ ۲۲. پیش من  
 آسان بود ۲۳. آری ۲۴. کثرت لشکر ۲۵. از که ۲۶. بهر او دارم امان ۲۷.  
 از یزید ۲۸. کشته خواهد شد ۲۹. سهلش شمار ۳۰. حکم دارم ۳۱. بر تو  
 تنگ آرم محال ۳۲. آری ۳۳. کوتاهی کردی ز جنگ ۳۴. این مگو ۳۵.  
 جنگ خواهم کرد ۳۶. کشتن سبط نبی من نیز دارم در خیال ۳۷. زانکه  
 خصم با حسین ۳۸. کارها دارم ۳۹. تاختن اسب ۴۰. به جسم شاه دین  
 ۴۱. بخرگاه حسین آتش زدن ۴۲. سیلی زدن بر کودکان خرد سال ۴۳.

شماقت ۴۴. زنجیر بستن ۴۵. بر زین العابدین ۴۶. تاراج مال ۴۷. اسیری  
عیال ۴۸. گرداندن هر شهر ۴۹. میروم اکنون ۵۰. عباس را خوانم ۵۱.  
بلکه رأیش را زنم

\*\*\*\*\*

### ابن سعد با شمر

۱. بهر چه ۲. آیی ز شام ۳. ز مدائن ۴. پس کجا ۵. از پیش که ۶. داری  
چه حکم ۷. بر فوج شام ۸. بحرین ۹. مصر ۱۰. عراق و عجم ۱۱. باش بجای  
من ۱۲. سپه کش ۱۳. سپهدار ۱۴. پس چی ۱۵. خوش آمدی حکمت  
چیست ۱۶. با که ۱۷. بهر چه ۱۸. بیعتش باشد محال ۱۹. من مراحل دارم  
۲۰. پس چه باید کرد ۲۱. آسان مدار با او جوال ۲۲. داری دلیل ۲۳. بگو  
۲۴. تر سی نداری ۲۵. قلزم بحر علی عباس آن شیر زیان ۲۶. از که ۲۷.  
مشکل کشد دست از حسین ۲۸. فتنه برپا می شود ۲۹. بر خود مبال ۳۰.  
برای چه ۳۱. تقصیر کردم ۳۲. بگو ۳۳. خواستم ا صلاح آرم ۳۴. بگذار  
حال ۳۵. مقصود چیست ۳۶. سخت شومی ۳۷. بعد قتلش چیست  
مطلب ۳۸. بگو ۳۹. بر که ۴۰. دومین مطلب ۴۱. سومین ۴۲. چهارمین  
۴۳. پنجمین ۴۴. بر که ۴۵. ششمین ۴۶. هفتمین ۴۷. کجا ۴۸. از بهر چه  
۴۹. کجا ۵۰. بس کن مگو تو شرح حال

\*\*\*\*\*

در این لحظه تیر آماده می شود و ابن سعد بلافاصله سوار بر اسب شده  
و از اطراف به سمت او تیراندازی می شود.

### ابن سعد ( سوار اسب شوند)

خطاب من بشما ای سپاه کوفه و شام  
شما سوار شوید و روید سوی خیام

همه به شورش و غوغا به خیمه‌ها تازید  
 به خیمه شه لب تشنه تیر اندازید  
 ای اهل شام و کوفه و وای لشکر سپاه  
 باشید جملگی همه بر حال من گواه  
 اول کسی که تیر رها کرد بر خیام  
 من بوده‌ام دهید شهادت ز خاص و عام

\*\*\*\*\*

### شمر

ایا کوفیان از یسار و یمین  
 بگیرید دور حرم چون نگین  
 ز رخ پرده شرم بیرون کنید  
 حریم حسین را جگر خون کنید

\*\*\*\*\*

### زینب

نظر کن برادر به بین مشرکین  
 گرفتند دور حرم چون نگین  
 برادر امان از غم بی کسی  
 دل من گرفته برادر بسی

\*\*\*\*\*

**در این لحظه نی پخش می‌شود**

**امام حسین**

خواب می‌دیدم ریاض مشک و بو نگذاشتی  
 داشتم با جد و بابم گفتگو نگذاشتی  
 مادرم می گفت فردا شب حسین م بهمان ماست  
 با برادر گشته بودم روبرو نگذاشتی

### بلافاصله\*\*\*\*\*

خطاب من بتو عباس ای برادر جان  
 برو کنون تو بنزد سپاه بی ایمان  
 به ابن سعد بگو ای لعین بی پروا  
 مکن به آل علی اینقدر تو ظلم و جفا  
 چه واقع است که برگرد خیمه آمده‌اید  
 پی گرفتن ما سخت خیره آمده‌اید  
 بگو که مطلبشان چیست ای گروه دغا  
 برای چه به نمودید رو به پرده سرا

\*\*\*\*\*

### حضرت عباس

به چشم آنچه تو گوئی ایا برادر جان  
 روم بگفته تو من به جانب میدان  
 خطاب من به شما ای سپاه کوفه و شام  
 چه واقعست که رو آورید سوی خیام

\*\*\*\*\*

### شمر

مقصود ما ز شورش غوغا همین بود  
 یا جنگ یا که بیعت و حکم این چنین بود

باید که کار بگیریم تنگ بر حسین  
تا اینکه بیعت ار بنماید به شور و شین  
\*\*\*\*\*

### حضرت عباس با امام حسین

شوم فدات برادر بدان سپاه عنید  
شدند عازم جنگ این زمان به حکم یزید  
گفت شمر بگو با حسین بصد عزت  
که یا تو جنگ نما یا نما به ما بیعت  
\*\*\*\*\*

### امام حسین با حضرت عباس

برو دوباره تو در نزد آن سپاه خسان  
بگیر امشب مهلت ایا برادر جان  
چرا که هست شب جمعه و یقین فردا  
شوم شهید ز ظلم گروه بی پروا  
بدان که شوق عبادت مرا بود بر سر  
کنیم راز بدرگاه خالق اکبر  
\*\*\*\*\*

### حضرت عباس با امام

روم به حکم تو بار دگر ایا سرور  
به جانب سپه روسیاه بداختر  
ایا گروه ز حق بی خبر ز قوم جهول

برادرم طلبت مهلت ار کنید قبول

\*\*\*\*\*

### ابن سعد

بهر عزیز فاطمه مهلت نمی‌دهم  
باشد محال مهلت و فرصت نمی‌دهم  
باید که کار تنگ بگیریم بر حسین  
تا آنکه بیعت او بنماید بشور و شین

\*\*\*\*\*

### شمر با ابن سعد

ای ابن سعد مرتد شوم ستم شعار  
مهلت چرا نمی‌دهی ای زشت نابکار  
گر کافری شبی طلبت مهلت از شما  
او را دهید مهلت ایا کافر دغا  
ای پور مرتضی تو برو نزد شاه‌دین  
برگو که مهلت است تو را ای حزین

\*\*\*\*\*

### حضرت عباس با امام حسین

فدای جان تو گردهم من ای برادر جان  
بکن عبادت خلاق قادر سبحان  
که مهلت است بما امشب از سپاه شریر  
ندانم آنکه بفردا چه با شدت تقدیر

\*\*\*\*\*

به دستور امام حسین عبادت و راز و نیاز انجام می شود تو ضیح اینکه  
توسط کارگردان از بلندگو اعلام شود و عدهای مشغول نماز و عدهای  
مشغول عبادت و دعا و عدهای مشغول تیز کردن شمشیرهای خویش  
می شوند چون شب آخر است همه آماده می شوند.

### امام حسین با حضرت عباس

ای برادر حضرت عباس ای آرام جان  
خیز از جا کن تو قامت راست ای سرو روان  
جمع کن اصحاب و هم انصار و یاران را تمام  
گو که تا آیند نشیمنند ساعتی پشت خیام  
تا کنم اتمام حجت بر صغار و بر کبار  
هر که مایل نیست با ما باشد او سازد فرار

\*\*\*\*\*

### حضرت عباس

چشم ای جان برادر ای شه والامقام  
میدهم اکنون خبر از حاضرین از خاص و عام  
ایا جماعت یاران همه ز خرد و کبار  
دهید گوش بمن ای صحابه و انصار  
بگفت زاده زهرا حسین امام امم  
شوید جمع شما لحظه ای به پشت حرم

\*\*\*\*\*



**در این لحظه چند نفر حاضر شده و پرده حجاب را آورده و برای حجاب آماده می‌کند.**

**جهت استخاره شمر تسبیح و قرآن آماده باشد**

**امام حسین**

ایا جماعت یارانم از صغار و کبار  
همه روید پی کار خویشتن یک بار  
علی الصباح مرا کوفیان شهید کنند  
مرا ز عمر گران مایه ناامید کنند  
یقین صدق بدانید کز جفا و ستم  
هر آنکسی که بماند شود شهید ظلم  
من پرده حجاب کشیدم به حالتی  
تا هر که می‌رود نکشد او خجالتی

\*\*\*\*\*

**شمر**

طالع بلندی کن طلب تا خود بر مغفر زنم  
ای بخت یاری کن مرا تا جوشن اندر بر زنم  
بر شانه اندازم سپر مانند آن قرص قمر  
دست ستم بگشایم و بر قبضه خنجر زنم  
شمشیر بدم بر میان هم تیر و هم گرز و کمان  
گردم چه در خرگه نهان اندر جهان آذر زنم  
ای چکمه می‌خواهم تو را از راه کوشش از جفا  
بر استخوان سینه سلطان بحر و بر زنم  
اندر دلم ناید به هم جز کینه و جور و ستم

این به که دست از بیش و کم در بدرهان زنم  
دو نفر از اهل بیت مرد آماده باشند.

### بلافاصله\*\*\*\*\*

این زمان پا به رکاب آورم انشاء الله  
رخش همّت به شتاب آورم انشاء الله  
سرِ مِهْرَ اَفسر سُلطان امم را به دمشق  
زینت بزم شراب آورم انشاء الله  
ایا تو حضرت عباس ای نکو سیمما  
بیا ز خیمه برون این زمان به صد غوغا  
ز تشنگی به تو دارم ایا نکو بنیاد  
امان برای تو آورده‌ام زابن زیاد

### بلافاصله\*\*\*\*\*

عجب شبی است که چون صبح گشته شام خیالم  
و یا چه کوکب طالع بزد نسیم زوالم  
به خواب لشکر اسلام و کفر و من به تفکر  
به خود به پیچم همچون گزیده مار بنالم  
عجب یزید فرستاده سوی قتل حسینم  
نوید خلعت زر داده است و جاهم و مالم  
رَوَم به جنگ اگر دیگرم عیال نبیند  
فدای اهل و عیال یزید اهل و عیالم  
کجائی ای شه خوبان در از برج سعادت  
که من در این شب دیجو به انتظار هالم

\*\*\*\*\*

**امام حسین**

خطاب من به تو ای خسرو معاشر ناس  
 برادر من غم دیده حضرت عباس  
 ببین که شمر ستمگر به پشت پرده سرا  
 ندا کند که بیایید یا بنو اختا

\*\*\*\*\*

**حضرت عباس**

بچشم آنچه تو فرمایی ای برادر جان  
 روم به گفته تو من بجانب میدان  
 تو کیستی و پشت حرم چه میخواهی  
 اگر نه امر برادر بدان وفادارم  
 تو را به تیغ ستم پاره پاره می کردم  
 کنم چه چاره که در قید غم گرفتارم  
 بگو تو نام خود ای مشرک خدا نشناس  
 برای چیست که کردی به پیش احضارم

## مصرع شمر با حضرت عباس

**شمر**

م نم شـ مر آ مدسـ تم در حضـورت شـ هر یار امشب

**عباس**

به چه م طلب به چه مقصد بگو ای نا بکار امشب

**شمر**

حضور مقدمات شب آمدم باشم تو را دربان

**عباس**

چه مطلب داری با من گوی ای ملعون بی ایمان

**شمر**

به تو خویشم من ای عباس عرض و گفتگو دارم

**عباس**

م گو خویشم م یا پیشم من از شـ کل تو بی زارم

**شمر**

بیا در لشکر ما تا تو را سرکرده گردانم

**عباس**

از این سرکردگی من خیر و در عالم نمی بینم

**شمر**

بیا در لشکر ما تا شوی قارون ز مال و زر

**عباس**

همه عالم نمی‌ارزد به یک موی علی اکبر  
شمر

برای کشتنت لشکر ز چین و ما صلف آید  
عباس

علی با ذوالفقار و دلدل از شهر نجف آید  
شمر

برای قتل تو لشکر کنم در این زمان حاضر  
عباس

چه فردا جنگ صفّین را کنم در این زمین ظاهر  
شمر

تو را ام البنین مادر بود فخرت نمایان است  
عباس

بنزد مادر او مادر من از کنیزان است  
\*\*\*\*\*

شمر

تو ای نهنگ بحر غضب که امیر بر همه لشکری  
به حرم امین به الم قرین  
به حسن علی تو برادری به لقب مَہی به نصب شَہی  
به ادب یگانہ بی عدیل به نبی ضیاء دو دیده‌ای  
دُر بحر علم غضدغری — هَوَسَم بُود که ز خیمه گه  
قدمی نَہی به کناره‌ای  
که زنیم پنجه به یکدگر به نشان زور و دلاوری  
به شجاعت از تو نه کمترم ز دلاوران همه بر ترم

به یزیدیان همه سَرَوَرَم فلکم نه حدّ و برابری  
قسم به روح معاویه که مقام کرده به هاویه  
که به آل و عترت مصطفی نکنم به دون ستمگری

\*\*\*\*\*

### حضرت عباس

چه عجب شمر که رو در بر شیر آوردی  
پنجه خویش بر شیر بگیر آوردی  
خواستی پنجه به سرپنجه عباس زنی  
پیش فولاد عجب مشّت خمیر آوردی  
همچو خفّاش چرا در دل شب لرزانی  
طیران در بر خورشید منیر آوردی  
راست برگو اگر راست روی همچو خدنگ  
بکمان حیل از بهر چه تیر آوردی

\*\*\*\*\*

### شمر

عجب عباس ز بهرم تو نظیر آوردی  
تو مرا در نظر خود حقیر آوردی  
من به فکر غم خویشی و تو در غیظ و غضب  
بهر قتلّم تو چرا نیزه و تیر آوردی  
غافلی از من و این تیغ کج خونبارم  
که گذارش به دو ابروی منیر آوردی  
از زبّانم به حسین گوی و به اهل حرّمش

از چه در کربُـبَـلا مُـشـتِ صـغـیر آوردی

\*\*\*\*\*

### حضرت عباس

هیچ عاقل سخنانی که تو گویی نسزاید  
 سخنی گو که غم از دل بزداید  
 سخنان تو رگ هاشمی آورده به جوشم  
 ز آستین وقت شده دست یدالله بدر آد  
 منم آن مرد که در عرصه ناورد چه ارزن  
 مرغ تیرم به کمان مردمک از دیده رباید  
 لب فرو بند و بکش تیغ بیا جانب میدان  
 مرد آن است که لب بندد و بازو بگشاید

\*\*\*\*\*

### شمر

بیا یکدم نصیحت گوش کن تندی مکن با من  
 پی رزم حسین آماده شو ای گرد خنجر زن  
 دلیران سپاهم را تماشا کن تو ای سرور  
 عَـلَم در پیش رو بین بدتر از ابلیس و اهریمن  
 نصیحت می کنم اکنون بده گوش و ز من بشنو  
 شتر بار هرگز نگذرد از روزنه سوزن

\*\*\*\*\*

### حضرت عباس

ایا شداد عصر از خود مشو غافل مباش ایمن  
 ز بسیاری لاف خود پسند ای ناکس رهن

بدعوای اُحد در جنگ بدر ای شوم بداختر  
 ندیدی همت مردان صاحب رزم و خنجرزن  
 جوانان عدو چون پیرزال از رزم من عاجز  
 به هر ساعت که از مردی به میدان پا نهادم من  
 ز قول پاک پیغمبر شنیدم بارها ظالم  
 شتر با بار هرگز نگذرد از روزن سوزن  
 چه فردا سر زند از جیب گردون خسرو خاور  
 بجای ریگ این صحرا فرو ریزم سر از گردن  
 چنانست تیغ بر تارک فرو آرم ایا کافر  
 شوی فارغ همی از جان بری لذت کنی احسنت

\*\*\*\*\*

### شمر

بنشین در برَم ای خسرو عالی نصب و مه لقب و زاده میر عرب تاج سر  
 خلق جهان صاحب طوبی و جنان، مهرنهان ماه عیان سرو روان قوت جان  
 تا کنم از راه محبت به تو اظهار همان راز نهانی که بدانی چه شود گر که  
 قدم رنجه کنی بر سر و چشم من و از خیل ا سیران اما بکشی دست ز  
 دامن حسین بن علی تا نشوی کشته ز شمشیر جفا، می خورم افسوس  
 که تا این قد والا فتد از پای مرا می کشد این ننگ که با ما تو چه خویشی،  
 زدم تیغ شوی کشته و پامال. یقین دان که مرا دشمنی و جنگ و نزاعی  
 نبود با توبه دل، غیر محبت، اگر از من تو نصیحت پذیری و کنی عهد بر  
 این قول که گفتم — نبود شک که یزیدت بدهد مال ز هر جا که بخواهی  
 چه اسب و چه یراق و چه امیری چه دلیری چه جلو داری لشکر که خود  
 از جانب ای شان به نثار قدمت می دهمت منت و صد شکر خدا را حیف



با شد که قدِ سَر و روانِ تو ز ضربِ سُمِ مَرکب به سر آید مادرت از غمت  
انگشت بجاید

خواهرت بهر تو گیسو بگشاید - دخترت ناله و زاری بنماید الله الله مرد  
عاقل نه چنین خبط نماید، پس تو هم گوش فرا دار زمانی بشنو ناله کوس  
و کرنا را

\*\*\*\*\*

### حضرت عباس

بس کن ای شمر جفا کار خطا کار ای مرتد خدّاس  
مزن طعنه به عباس تو گوئی بر من آمده لشکر  
ز ختا و ختن و چین و ز ما چین و ارومیه و  
قسطنطنیه بلخ بخارا ز عرب تا به عجم  
مشرق و مغرب همه روی زمین جمع شوند  
لشکر خو نخواستار نهند رو به صف کربلا این همه  
اشرار نیندیشم از انبوه سپه نعره کشم از جگر و  
تیغ کشم از کمر و یاد کنم حیدر چون شیر درنده بدرم  
این سپه زاده مرجانه میشوم دغا را پس کنی  
امر کشم دست ز دامن حسین بن علی با تو  
شوم یار حسین بی کس و تذهباست نه او راست  
مدد کار بجز هفتاد و دو تن مثل علی اکبر و قاسم  
دگر عبدالله و یحیی و دگر اصغر بی شیر و دگر عابد  
بیمار ندارد به جهان مونس و غم خوار اما چه کنم

\*\*\*\*\*

شمر

روشنی طلعت تو ماه ندارد  
پیش تو گل رونق گیاه ندارد  
جلوه رخسار توست پرتو خورشید  
آینه دانی که تا به آه ندارد  
گو که رود خاک غم به سر بفشاند  
هر که در این آستانه راه ندارد.

\*\*\*\*\*

### حضرت عباس

شرم به چشمت عجب که راه ندارد  
چشم دریده ادب نگاه ندارد  
گو برو و آستین بخون جگر شو  
هر که در این آستانه راه ندارد  
من به جز این آستانه سجده نیارم  
خوشتر از این گونه پادشاه ندارد

\*\*\*\*\*

### شمر

عباس ای صلابت تو ارث حیدری  
دائم کند جمال تو با حور برادری  
مردم تمام پیش رُخت همچو ذره‌اند  
تو در میان خلق چو خورشید خاوری  
از این جهت که خویشم و دارم قرابتی  
خویشی بری به من نصب از سوی مادری  
حیف است سرو و قامت تو غرق خون شود

باشد صلاح کز شه لب تشنه بُگذری

\*\*\*\*\*

### حضرت عباس

ای شمر شوم مرتد و ای کافر شقی  
باشد حسین بدان خلف مرتضی علی  
فخر من است گر بشوم نوکر حسین  
لیکن میان ما و حسین است برادری  
برگو که خویشی تو به من نسبت از کجا  
داری چه نسبتی بمن از سوی مادری  
خواهی به حيله مرا از حسین جدا  
کی دور می‌شوم ز چنین شاه و سروری

\*\*\*\*\*

### شمر

به خاک پایت ای عباس عرض و گفتگو دارم  
به نزدت ای جلال الدین نصبها چند به نزد آرم  
نباشد در عراق و کوفه بالادست من دستی  
نه اندر شام و نی در ری کسی چون خود گمان دارم  
از آن جانب عبیدالله که باشد والی کوفه  
برادروار او هم تقویت کرده به هر کارم  
نوشته چند فرمانی برای من یزید دون  
کنم هر کار در این سرزمین امروز مختارم  
گرفتم دامن خویشی ات ای ماه بنی هاشم

تو را پیش حسین بیدم حقیقت می کنم ع'ارم

\*\*\*\*\*

## کفن حاضر شود

### حضرت عباس

از این طول کلامت روز کردی چون شب تارم  
جواب هر سئوالت را کلامی هست ناچارم  
ستوی خویش را و فخر کردی بر یزید دون  
شمردی منصب خود را شنو من نیز بشمارم  
سپاهی را سپه دارم که فخرش ناصردین است  
خدا را سارو بین ساراست و من چون جارو  
بن جارم به سقائی هفتاد و دو تن فخرم  
بود امّا بسر داری هفتاد و دو ملّت باشدی  
عارم گاهی دفتر نویسم بر حسین و گاه مستوفی  
گاهی میرآخورم او را و گاهی قاصد کوفه  
گاهی در کربلا گه در نجف در خدمت حیدر  
گاهی در جنب نهر علقمه غم خوار زوارم  
بهشتم کوثرم گاهی دگه چون شاخه طوبی  
بسان باب خود حیدر گاهی نور و گاهی نارم  
ولیکن بر حسین ابن علی ابن ابی طالب غلامم  
زر خریدم نوکرم بر درگهش یارم زم نصبهای  
من هر یک شنیدی ای جفاگستر بدان در  
خدمت آن شه غلام کفش بردارم  
تومی خوانی بخود خویشم که وّ لاهه مرا عاراست

برو از نزد من گم شو من از شکل تو بیزارم

\*\*\*\*\*

### شمر

ساغر عشق تو لبریز است مشکن جام را  
فکر آغاز نصیحت کن ببین انجام را  
این سپاهی را که می‌بینی بدورت حمله ور  
مادرت اندر عزایت تلخ سازد کام را  
ایا گروه بگیرد نقد جاناش را  
به ماتمش بنشانید خواهرانش را  
امروز چنین شاخه ز سرو چمن افتاد  
دست پسر شیر خدا از بدن افتاد

\*\*\*\*\*

### حضرت عباس

ای شمر شوم مرتد ملعون نابکار  
کردی بدهر دشمنی خویش آشکار  
تا کی زنی تو لاف به میدان کارزار  
اکنون بگیر از کفم این تیغ آبدار

\*\*\*\*\*

### عباس جنگ می کند و سکینه می خواند

#### سکینه

ای مسلمانان امان از تشنگی  
مرغ روح آمد به جان از تشنگی  
اندر این دشت بیابان سوختم

ای خدا با لعل عطشان سوختم

\*\*\*\*\*

### طفله‌ها در خیمه بخوانند:

العطش عباس و عباس العطش  
العطش ای خسروی ناس العطش

\*\*\*\*\*

### چند بچه از اهل بیت روی زمین می خوانند

### امام حسین

بزرگوار خدایا برس بفریادم  
کباب کرد دلم طفل‌های ناشادم  
ز تاب تشنه لبی طفل‌های نورس من  
فتاده‌اند در اینجا به خاک از ذوالمن

\*\*\*\*\*

### سکینه

بابا کجا رفت عمّ رشیدم  
برگو کجا رفت آن ناامیدم

\*\*\*\*\*

### امام حسین

عمویت عباس رفت از بر من  
شد سوی میدان آن سرور من

\*\*\*\*\*

### حضرت عباس

لبیک ای عزیز من و نور عین من  
 لبیک ای سکینه عزیز حسین من  
 با شمر داشتم سخنی با دو صد خروش  
 باز آمدم چه ناله ات آمد مرا بگوش

\*\*\*\*\*

### سکینه

با شمر عمو چرا نشستی  
 پست پدر مرا شکستی  
 گشتی تو رضا که خوار کردم  
 بر پشت شتر سوار کردم  
 عمو تو بده به حرف ما گوش  
 کردی تو چرا ز ما فراموش

\*\*\*\*\*

### حضرت عباس

آن شمر بی ادب ز جفا بسته بود کمر  
 تا بر سر سنان سرما از جفا کند  
 دارد سر اسیری زینب ز کینه شمر  
 اطفال ما اسیر به شام بلا رود

\*\*\*\*\*

### حبیب و مسلم با چاوشی وارد میدان می شوند

هر که دارد هوس کربلا بسم الله  
 هر که دارد سر همراهی ما بسم الله

شیعیان قاسم داماد عروسی دارد  
هر که دارد هوس سیر و صفا بسم الله

\*\*\*\*\*

### در این لحظه حر دوباره وارد میدان می شود.

#### حر

آمدی ای حر فرخنده لقا جنگ حسین  
آمدی جنگ کنی با پسر بدر حسین  
خاک عالم بسر و مهر و وفایت ای حر  
کاش مادر بنشینند به عزایت ای حر  
به چه رو من بروم شرم نمایم ز حسین  
به چه رو من بروم نزد شه بدر و حنین  
ز ره خود نیاید بجهان هیچ بکار  
سر برهنه بروم نزد شه بی غمخوار

\*\*\*\*\*

#### مصعب

بگو به من به کجا می روی برادر جان  
سر برهنه و پای برهنه گریه کنان  
مگر که شور حسین برده از سَرَت هوشَت  
برادر و پسرت شد مگر فراموشَت

\*\*\*\*\*

#### حر



بدان برادر فرّخ سیر روم من زار  
به پای بوس حسین علی شه ابرار  
اگر هست شما را بمن سر یاری  
کنیم یاریشان از طریق غم خواری

\*\*\*\*\*

### مصعب

بلی فدای تو گردم من ای برادر جان  
تو می روی به یقین خدمت امام زمان  
مرا بِهَمَرِه خود بر تو از ره یاری  
کنیم یاریشان از طریق غمخواری

\*\*\*\*\*

### ریسمان آماده شده و به میدان می آورند.

### حر

ای برادر جان تو از راه وفا  
ریسمان آور به بند دست مرا  
تا مگر آن شاه عالم گیر من  
بگذرد از جرم و از نقصیر من

\*\*\*\*\*

### مصعب

دسته های من کجا یاری کند  
ای برادر جان چنین کاری کند  
چون تو می خواهی ایا جان اخوا

دست‌هایت را ببندم از وفا

\*\*\*\*\*

**حر**

سلطان بی کس التوبه التوبه  
ای شاه غم رس التوبه التوبه  
من روسیاهم من بی گناههم  
من عذرو خواهم التوبه التوبه

\*\*\*\*\*

**امام حسین**

یاران به بینید حر شد پشیمان  
نزد من آید با چشم گریان  
جمله شتابید او را بیارید  
بر غربت من خونابه بارید

\*\*\*\*\*

**حر**

السلام ای پسر شیر خدا التوبه  
السلام ای گهر بحر سخا التوبه  
من خطا کردم و از کرده پشیمانم من  
عفو فرما گنهم را ز وفا التوبه  
ز کرده‌های خودم گشته‌ام زار و ملول  
بگو که تو به من می‌شود به حشر قبول

\*\*\*\*\*

**امام حسین**

علیک من به تو باد ای حر نکو بنیاد  
 شهادت تو در این سرزمین مبارک باد  
 همین سه کس که به همراهی تو آمده‌اند  
 بمن بگوی که باشند ایا سعادت مند

\*\*\*\*\*

**حر**

همین سه کس که به همراهی من آمده‌اند  
 یکی مراسست برادر یکی بود فرزند  
 یکی غلام من است ای امام جن و بشر  
 رسیده‌اند به پابوس تو از این لشکر

\*\*\*\*\*

**امام حسین**

خوشا بحال تو ای مصعب خجسته شعار  
 که رستگار شوی در سرای دوزخ و نار  
 خوشا بحال شما دوستان پیغمبر  
 جزای خیر بیابی ز خالق اکبر

\*\*\*\*\*

**حر**

شوم فدای تو آقا مرخصم فرما  
 به جنگ این سپه روسیاه شوم دغا  
 کسی که خاطرت افسرده کرد من بودم  
 کسی که اولت آزرده کرد من بودم

کسی که حال بگردد فدات من باشم  
کسی که جان دهد اندر وفات من باشم

\*\*\*\*\*

**کفن را آماده کرده و امام آنرا بر تن حر می‌پوشاند**

**امام حسین**

بیا به نزد من ای نو رسیده مهمانم  
که تا به پیکر تو من کفن به پوشانم  
روانه شو بسوی حرب لشکر کافر  
که می‌رسم ز عقب من کنون بدیده‌تر

\*\*\*\*\*

**حر**

شکر خدا که گشت روا آرزوی من  
از مرحمت نریخت حسین آبروی من  
به ابن سعد بگوئید ای لعین شرر  
طلب نموده تو را حرّ و سرور لشکر

\*\*\*\*\*

**شمر**

صدمبار گفتم ای عمر  
سردار خود را حرّ مکن  
بر قتل شاه دین حسین  
از کینه دل را پُر مکن  
گفتی که حرّ باشد دلیر  
در زرم باشد شیر گیر

این دم برو بیعت بگیر  
 ای داد ای بی‌داد هَی  
 اندر هوای ملک ری  
 شیطان فریبت داد هَی  
 مرگی خوری گنندم زری  
 هَی داده‌ی بی‌داد هَی

\*\*\*\*\*

### ابن سعد

بر تو ای حُر حرب این لشکر مشخص می‌شود  
 دوستی با زاده حیدر مشخص می‌شود  
 روی کردن از حسین پشت کردن از یزید  
 این مکافات دم دیگر مشخص می‌شود

\*\*\*\*\*

### حر

گفته‌هایت ای جفا گستر مشخص می‌شود  
 این حکایتها صف محشر مشخص می‌شود  
 پشت کردند از حسین و روی کردند از یزید  
 پیش بابش ساقی کوثر مشخص می‌شود  
 الغرض از تیغ و خنجر بر شما گویم جواب  
 ساعت دیگر ز خیر و شر مشخص می‌شود  
 یا صاحب ذوالفقار وقت مدد است  
 یا والد هشت و چهار وقت مدد است  
 درهای امید بر رُخم بسته شده

یا ضیغم کردگار وقت مدد است  
ایا نتیجه امیدواری احباب  
بیا و این حر در خون طپیده را دریاب

### بلافاصله

یا صاحب ذوالفقار وقت مدد است  
یا والی هشت و چهار وقت مدد است

\*\*\*\*\*

### شمر

شهاده گو که سرت را ز تن جدا سازم  
میان سر و تنت طرح دوری اندازم

\*\*\*\*\*

### حر شروع به جنگ می کند و به شهادت می رسد

### امام حسین

لبیک آمدم ای حر وفادارم  
تا سرت را ز خاک بردارم  
ای حرّ یاور من سردار لشکر من  
رفتی و برنگشتی ای تاج افسر من  
اول ز هم‌رهانم اول ز یاورانم  
رفتی بسوی جانان ای نیک اختر من  
رفتی تو چون مقدم در حشر نزد جدم  
برگو حسین غریب است ای جد اطهر من

\*\*\*\*\*

### حبیب

خداوندا رسان در خدمت سلطان خوبانم  
 که از دیدار آن حضرت شود روشن دو چشمانم  
 رویم در کربلا در خدمت سلطان مظلومان  
 اگر رخصت دهد بر ما نمائیم جان خود قربان

### عده ای اعم از ابوالفضل و علی اکبر به استقبال حبیب می روند

غریب وادی کربلا السلام علیک  
 اسیر قوم یزید دغا سلام علیک

\*\*\*\*\*

### امام حسین

ایا حبیب دل افکار علیک سلام  
 محب پاک رسول خدا علیک سلام  
 به بین حبیب که آواره از وطن شده‌ام  
 دچار ظلم در این دشت پرمحن شده‌ام  
 به کوفه‌ام طلبیدند این گروه دغا  
 بدعوتم همه حاضر بد از طریق وفا  
 چه میهمان شده‌ام آب بر رویم بستند  
 همه به قتل من بی نوا کمر بستند

\*\*\*\*\*

### حبیب

ایا عزیز دل فاطمه فدات شوم  
 فدای این دل پر درد بی دوات شوم  
 به بی وفایی کوفی گمان نبود مرا  
 که می‌کشند ترا در زمین کربلا

کجا است جدّ تو تا بنگرت چنین خارت  
در این زمین بلا این چنین گرفتارت  
بده تو رخصت حربم ایا امام بشر  
نمی‌توانمت اینسان کنم غریب نظر

\*\*\*\*\*

### امام حسین

گر چه هستم از جفا بی صبر و طاقت ای حبیب  
لیک بنشین لحظه کن استراحت ای حبیب  
میهمانی بر من ای نیکو سعادت مرحبا  
لحظه‌ای آسوده بنشین ای حبیب باوفا

\*\*\*\*\*

### حبیب

ای حسین تشنه لب آیا تو مهمان نیستی  
میهمان بر این گروه نامسلمان نیستی  
کاش می‌شد کور چشمان حبیبیت یا حسین  
تا نمی‌دیدم چنین زار و غریبت یا حسین

\*\*\*\*\*

### کنیر به همراه تعدادی از اهل بیت آماده باشد

### امام حسین

چاره نبود ای حبیب دل فکار  
جز رضای حضرت پروردگار  
من رضایم بر قضای داورم  
این من و این سر بود این پیکرم



ای یاران من اطراف خیمه‌ها را خندق  
بکنید و هیزم داخل آن بریزید

\*\*\*\*\*

### حبیب

ای حسین ای نونهال باغ پیغمبر سلام  
ای غریب بی کس و بی یار و بی یاور السلام  
ای عزیز فاطمه در کربلا ماندی غریب  
ای فدای مقدمت شاهها دوصد جان حبیب  
اذن فرما بر غلامان درت ای شهریار  
بهر جان بازی ستاده در حضورت اشکبار

\*\*\*\*\*

### کفن برای حبیب آماده باشد

### امام حسین

حبیب اگر تو روی من غریب می‌مانم  
بدشت کربلا بی حبیب می‌مانم  
بکوفه آمدن من بدوستی تو بود  
ز بعد قادر سبحان امید من به تو بود  
ولی چه سود که ماندم غریب و بی یاور  
ز ظلم این سپه روسیاه بداختر  
کفن به پوش تو با مسلم حزین فکار  
روان شوید سوی جنگ این سپاه شرار

\*\*\*\*\*

### حبیب

ایا حریم رسول خدا خداحافظ  
ایا تو زینب بی اقربا خداحافظ  
کنیزکی است ز مسلم ایا کشیده تعب  
سپارمش به جناب شما ایا زینب

\*\*\*\*\*

### زینب

ای حبیب با وفا رفتی خدا یار تو باد  
در دو عالم خالق عالم نگهدار تو باد

\*\*\*\*\*

### حبیب

ای ابن سعد مرتد شوم ستم شعار  
ای روسیاه بی ادب ای زشت نابکار  
ظالم خجالت از رخ زهرا نمی‌کشی  
به روی نازدانه او تیغ می‌کشی  
ای کوفیان بی صفت ای مردم دورو  
خواندید از چه رو شه دین را بکربلا  
دارید این جفا و ستم‌ها بر او روا

\*\*\*\*\*

### ابن سعد

بیاری پسر فاطمه امام امم  
بیامدند دو تا پیرمرد با قد خم  
کشید تیغ بر اینها سپاه کوفه و شام

یقین کنید که کار حسین گشته تمام  
این لحظه عرش را به تزلزل درآورم  
دست ستم ز جیب تحمل درآورم  
باید که جمله بر آن شه عالی مقام برم  
باید که دختران حسین را به شام برم  
هل من مبارز یا حسین  
قتل تو جایز یا حسین

\*\*\*\*\*

**در این لحظه جنگ آغاز می شود و مارش جنگ نواخته می شود**

**حبیب**

سلام من به جانب تو ای امام هدی  
برس به داد من زار رفتم از دنیا

\*\*\*\*\*

**امام حسین**

رفتی از دستم تو ای یار وفادارم حبیب  
رفتی و بگذاشتی فرزند زهرا را غریب  
جوانان بی هاشم بیائید  
حبیبم را در خیمه رسانید

\*\*\*\*\*

**در این لحظه حبیب و مسلم به شهادت می رسند و آنها را چند نفر حمل**

**به خیمه ها می کند**

**امام حسین**

هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي وَ هَلْ مِنْ مُعِينٍ يُعِينُنِي  
 آیا کسی بود که کند یاری حسین  
 آید در این زمان به مددکاری حسین

\*\*\*\*\*

### در این لحظه نقش وهب شروع می شود

#### مادر وهب

وهب شوم به فدایت ز جای خیز  
 بنگر به دشت کرب و بلا شور و رستخیز  
 بنگر عزیز فاطمه بی یار و یاور است  
 امروز دستگیر گروه ستمگر است  
 بنگر غریب ستاده کنون پور مرتضی  
 مانده غریب و بی کس و بی یار و اقربا  
 برخیز و جان فدای شه ارجمند کن  
 ما را به پیش مادر او سربلند کن  
 سر و قد تو با علی اکبر برابر است  
 یا نوجوانی تو ز عباس بهتر است  
 کن یاری عزیز پیمبر تو ای وهب  
 جان را نما فدای شهنشاه تشنه لب

\*\*\*\*\*

#### وهب

دارم به دیده منت ایا مادر فکار  
 صد جان من فدا حسین بزرگوار  
 لیکن اجازه ام بدهای مادر عزیز  
 تا من روم به خیمه به چشمان اشک ریز  
 سازم وداع تازه عروس فکار من  
 گویم که چون روم نکشد انتظار من

\*\*\*\*\*

### مادر وهب

برو به خیمه ایا نوجوان مه سیما  
 وداع کن به عروست ز راه مهر و وفا  
 ولی وصیت من بود ایا فرزندی  
 بهوش باش چو رفتی به خدمت آن زن  
 فریب زن نخوری ای جوان خوش منظر  
 که روسفید شویم ما به عرصه ی محشر

\*\*\*\*\*

### وهب

به این غریب دل افکار می کنم یاری  
 به جز وداع ندارم به خیمه که کاری  
 فتاده شوق شهادت کنون مرا بر سر  
 بحرف زن نکنم ترک ای حمیده پسر

\*\*\*\*\*

### مادر وهب

برو به خیمه وداع عروس خود بنما  
تو می‌شوی دم دیگر شهید قوم دغا

\*\*\*\*\*

## سر وهب و دستهای وهب آماده شود

### وهب

بیا به نزد من ای نوعروس مه سیرم  
تو را وداع نمایم که عازم سفرم  
روم به زاده خیرالبشر کنم یاری  
مکن تو از غم من آه و ناله و زاری  
تو هم سفر بشوی با حریم آل رسول  
بکن کنیزی زینب مباحش زار و ملول

\*\*\*\*\*

### عروس وهب

به دیده منت ایا شوهر کشیده تعب  
مراسمت فخر نمایم کنیزی زینب  
و لیک هست مرا عرض ای نکو مقدار  
بکن تو عهد به من ای جوان خوش کردار  
مرا به همره خود در بهشت کن داخل  
جدا من از تو نباشم به حشرالحاصل

\*\*\*\*\*

### وهب

قبول کردم ایا نوعروس خوش منظر  
وفا به عهد نمایم به عرصه محشر  
روم به جانب میدان خدا نگهدارت  
خدا وجود تو را از بلا نگهدارت

\*\*\*\*\*

**وهب به نزد امام می رود و می گوید**

**وهب**

سلام من به تو باد ای شهنشاه ایجاد  
سرم فدای تو باد ای امام کل عباد  
بده اجازه میدان به من ایا سرور  
که جان خویش نمایم فدات ای سرور

\*\*\*\*\*

**امام حسین**

صد علیک ای نوجوان نیک نام  
اجر تو در حشر با خیر الا نام  
بر تنت پوشم کفن ای با وفا  
شو تو عازم بر جدال اشقیایا

\*\*\*\*\*

**امام کفن را بر تن وهب می پوشاند**

**وهب**

شکر خدا که هر دو جهان شد به کام من  
گردد به دفتر شهدا ثبت نام من  
پوشم کفن به پیکر خود از ره وفا

رو آورم به معرکه در جنگ اشقیا

\*\*\*\*\*

### شمر

ابن سعد پر ز کین ای شوم زشت روسیاه  
آمد از خرگه برون یک نوجوانی همچو ماه  
نور رویش خیره کرده چشم این لشکر تمام  
کن بیان از بهر من برگو که او را چیست نام

\*\*\*\*\*

### وهب

ایا شمر ملعون با ننگ و نام  
برون رفته از دین خیرالانام  
ز نامم چه پرسی تو ای بی ادب  
غلام حسین هست و نامم وهب  
بدانید شما ای گروه شرار  
منم بر حسین علی جان نثار (جنگ اول)  
ایا شمر ملعون شوم پلید  
بود لعن حق بر تو و بر یزید  
مرا ای ستمگر بود فرض و عین  
که جان را نمایم فدای حسین  
ز کشتن مرا یک جوی نیست و باک  
از این قوم خونها بریزم به خاک  
شود قطع اگر هر دو دستم ز کین



نـینـدیشـم ای فـرقـه مـشـرکـین  
در این رزمـگـه‌ای لـعـین شـرار  
برآرم از این خـیل عـدوان دمار

\*\*\*\*\*

### در این لحظه دست اول وهب قطع می شود

**شمر**

ای مادر وهب تو بکش آه از نهاد  
بنگر که دست تازه جوانت ز تن فتاد

\*\*\*\*\*

**شمر**

ایا گروه بگیرید نقد جانش را  
به ماتمش بنشانید خواهرانش را

\*\*\*\*\*

**شمر**

وهب ای نوجوان با وفا کن رحم بر جان  
بیا بشنو نصیحت می‌کنم از راه احسان  
حذر از این سپه بزمها برو در گوشه‌ای بنشین  
وگرنه خویش را مقتول تیغ شمر کافر بین

\*\*\*\*\*

**وهب**

نباشد مرا باک ای بی حیا  
اگر هر دو دستم نمایی جدا  
دو صد جان اگر باشدم در بدن

نَمَایم به قربان شاه زَمَنُ  
تو ای روسیاه شقاقوت اثر  
نئی در جهان آگه از خیر و شر

\*\*\*\*\*

**در این لحظه دست دوم وهب قطع می شود و وهب بلافاصله نزد**

**مادرش می رود**

**وهب**

ای مادر مضطرب فکارم  
دائماً که توئی در انتظارم  
راضی شدی از من پریشان  
ورنه بروم به جنگ عدوان

\*\*\*\*\*

**شمر**

شما ای گروه شقاقوت اثر  
به فرمان ابن زیاد شرر  
بگیرید دورش به تیغ جفا  
سرش را نمایید ز پیکر جدا  
شهاده گو سرت را ز تن جدا سازم  
میان سر و تنت طرح دوری اندازم

\*\*\*\*\*

**مادر وهب شروع به جنگ کردن می کند و این اشعار را می خواند**

**مادر وهب**

برگرد و برو به جنگ اعداء  
 کن یاری نور چشم زهرا  
 وقتی که شود جدا سر تو  
 در خون بکشند پیکر تو  
 ای جان مادر بنما تو یاری  
 بر شاه خوبان کن جان نثاری  
 بنگر که دنیا وفا ندارد  
 کوفی و شامی حیا ندارد  
 باشد حلالیت شیر من زار  
 فرزند زهرا باشد گرفتار

\*\*\*\*\*

### شمر

ز خیمه گاه برون آی یک زمان ای زن  
 بگیر رأس جوانت که شد جدا از تن

\*\*\*\*\*

**چوب عمود خیمه حا ضر شود. عروس و هب شروع می کند به جنگ  
 کردن و این اشعار را می گوید**

### عروس و هب

خدایا رفت از کف اختیارم  
 در این صحرا قریب و خار و زارم  
 نبینم سر بریده شوهرم را  
 عمود خیمه گیرم با دل زار

\*\*\*\*\*

**وهب**

برو به خیمه ایا زن مکن تو شور و نوا  
که دسته‌های من از تن نموده‌اند جدا

**بلافاصله خطاب به امام حسین می‌گوید**

یا حسین بنگر عیالم سوی میدان آمده  
بهر جانبازی به سوی قوم عدوان آمده  
یا حسین ای پادشاهها دست من دامن تو  
بر به سوی خیمه او را جان من و جان تو  
یا حسین آقا به فریادم برس  
کن حلالم این زمان رفتم ز دست

\*\*\*\*\*

**امام حسین (خطاب به عروس وهب)**

بیا به خیمه ایا زن مکن تو جنگ جهاد  
جهاد نیست به زن واجب ای نکو بنیاد

\*\*\*\*\*

**عروس وهب**

بی خود از خود شدم ای پادشه جن و بشر  
عفو فرما گنهم ای پسر پیغمبر

\*\*\*\*\*

**عروس و هب دوباره جنگ می کند و خود را به بالای سر و هب می  
رساند و کشته می شود**

\*\*\*\*\*

**مادر و هب**

**سر و هب را بر می دارد و به سمت قلتگاه پرتاب می کند**

هزار شکر که در راه زاده ی زهرا  
بداد تازه جوانِ عزیزِ من سَر را  
اگر چه از غم فرزند خویش دلگیرم  
سری که در ره حق داده پس نمی گیرم

\*\*\*\*\*

## شروع نقش عابی

### عابی

شوم فدای تو ای مقتدای جن و بشر  
شده است وقت ادای نماز ای سرور  
جلو بایست برای نماز ای آقا  
که اقتدا بنمایم جملگی به شما

\*\*\*\*\*

### امام حسین

جزای خیر بیابی ز خالق اکبر  
شود نماز ظهر تو مقبول حضرت داور  
بکن محافظت من تو از طریق وفا  
که نماز بخوانم میان خوف و رجا

\*\*\*\*\*

**بلافاصله امام نماز خوف و رجا را در یک ستون با کفش بجا می آورد و  
عدهای خود را در جلو صف نماز سپر می کنند و به شهادت می رسند.**

### شمر

ایا حسین علی نور دیده گان بتول  
عبادت تو نگردد در این زمین مقبول  
خطاب من به شما ای گروه کفر شمار  
کنید حمله شما جمله از یمین و یسار  
به جانب شه لب تشنه تیر اندازید  
که از حیات خودش در جهان شود نومید

\*\*\*\*\*

## در همین حال از بیرون به داخل میدان و صفوف نماز تیر اندازی

می‌شود.

**عابی**

ای لعینان شریر بی حیا  
از چه سازید این قدر ظلم و جفا  
این حسین سبط رسول اطهرست  
زاده زهرا و سبط حیدر است  
بهر چه تیر افکنید از راه کین  
بر حسین فرزند خیر المرسلین  
می‌کنم جان بهر آقایم سپر  
تا شود حفظ آن امام بحر بر

\*\*\*\*\*

**امام حسین**

زنید این سان چرا تیرم به پیکر  
نمائید شرمی از خلاق داور  
چه کردم با شما ای قوم اشرار  
که سازیدم نشان تیر یک بار  
نه آخر من ز اولاد رسولم  
که از ظلم شما اینک ملولم  
بزرگوار خدایا نگر بحال حسین  
بدشت ماریه بنگر به روزگار حسین  
به این جفا که بدیدم من ای الم پرور

ببخش امت جدم به عرصه محشر

\*\*\*\*\*

### عابس

سلام من به تو ای سبط احمد مختار  
نظاره کن ز وفا سوی عابس افکار  
مرخصم بنما تا روم سوی میدان  
کنم به راه تو من جان خویشان قربان

\*\*\*\*\*

### امام حسین

علیک من به تو ای عابس خجسته سیر  
جزای خیر بیابی ز خالق اکبر  
مرخصی که روی تو به جانب میدان  
که می‌رسم ز عقب من بدیده گریان

\*\*\*\*\*

### عابس

چگونه شکر کنم کردگار منان را  
که در ره پسر فاطمه دهم جان را  
اگر به راه شه تشنه لب شهید شوم  
یقین که پیش خداوند روسفید شوم

\*\*\*\*\*

### مصرع شوذب با عابس

### شوذب



شوم آقا به قربانت بگو عزم کجا داری

**عابی**

مصمم گشته‌ام اینک به شاه دین کنم یاری

**شوذب**

چرا مهر محبت را بریدی از غلام خود

**عابی**

مرا افسرده کردی ای غلام از این کلام خود

**شوذب**

نباشم بی ادب افسرده سازم خاطر شادت

**عابی**

اگر خواهی کنم در راه حق امروز آزادت

**شوذب**

مرا آزاد سازی بی تو رو اندر کجا آرم

**عابی**

بدان من عزم جانبازی بشاه کربلا دارم

**شوذب**

مگر آقا غلامان نیستند لایق به جان بازی

**عابی**

گمان کردم تو بر جان نثاری نیستی راضی

**شوذب**

چگونه دست خود از دامن آقا رها سازم

**عابی**

تو آزادی ولی من جان خود خواهم فدا سازم

**شودب**

نبازم جان به شاه دین کجا رو آورم اکنون

**عابی**

تو را آزاد بنمودم از این صحرا برو بیرون

**شودب**

چرا من جان نبازم در رکاب شاه مظلومان

**عابی**

اگر هستی تو مایل آی و با من جانب میدان

**شودب**

اجازه ده روم از شه دین رخصتی گیرم

**عابی**

از آن ترسم که دیر آیی فتد در کار و تأخیرم

**شودب**

بزودی می روم آقا ببوسم دست آن شه را

**عابی**

منم آیم به همراهت دوباره بینم آن مه را

\*\*\*\*\*

**عابی و شودب به نزد امام می روند و می خوانند**

حسین ای خسرو خوبان خداحافظ خداحافظ  
بکن ما را حلال ازجان خداحافظ خداحافظ

\*\*\*\*\*

### امام حسین

اگر چه بی کسم و بی یاورم در این میدان  
علاج نیست به جز امر خالق سبحان  
خدای در دو جهان یاور شما باشد  
روید جانب میدان ایا دو سرو روان

\*\*\*\*\*

### عابس

ایا غلام چه آیی به همراه من زار  
برو ز سمت یمین من روم ز سمت یسار  
کنون که شوق شهادت تو را فتاده بسر  
نما تو یاری فرزند ساقی کوثر  
برو به جنگ که اینک نظر نمایم من  
اگر که کشته شوی بر سرت بیایم من  
سر منیر تو از خاک تیره بردارم  
ز لطف مرحمت اکنون به سینه بگذارم  
ولی اگر که شوم کشته من ایا افکار  
تو بر سرم قدمی از ره وفا بگذار

\*\*\*\*\*

### شودب

بدیده منت ایا عابس خجسته لقا  
نظاره کن که روم من به جنگ قوم دغا  
به جنگ کردن من این زمان نظاره نما  
اگر که کشته شدم بر سرم ز راه وفا

\*\*\*\*\*

### ابن سعد (خطاب به غلام عابس)

ایقوم جفاکار ستمکار بدآئین  
دائم که شمائید همه نسل شیاطین  
بر من بدهید گوش ایا فرقه ملعون  
فرمان بری من بکنید از ره احسان  
یک تن نبود بیشتر ایا فرقه کافر  
این خیل سپه را بنمود است مسخر  
از چهار طرف کار بگیرید بر او تنگ  
یک عده زنید تیر و یک عده زنید سنگ

\*\*\*\*\*

### شودب

ایا شمر ملعون بی ننگ و نام  
برون رفته از دین خیر الا نام  
ز نامم چه پرسوی ای بد سیر  
بگو که گردید ز حالم خبر  
منم آن که بر حرب کین عازم  
به عابس غلامم ولی شوزم  
شنیدید از من به صوت جلی

منم جان نثار حسین علی  
بدانید ای فرقه ی بی تمیز  
بیندازم اندر جهان رستخیز

\*\*\*\*\*

### در این لحظه جنگ شروع می شود و شوذب می خواند

ای دوی دردمندان یا حسین  
ای طبیب مستمندان یا حسین  
یا حسین آقا به فریادم برس  
جز تو دیگر من ندارم دادرس

\*\*\*\*\*

### شمر

ایا غلام مگو تو در این مقوله سخن  
نظر نمای تو بر این جماعت دشمن  
خطاب من به شما ای سپاه کوفه و شام  
کشید تیغ و کنید کار این غلام تمام

\*\*\*\*\*

### بلافاصله جنگ شروع می شود و مارش جنگ نواخته می شود

### شمر

شهاده گو که سرت را ز تن جدا سازم  
میان سر و تنت طرح دوری اندازم

\*\*\*\*\*

### شوذب

نظر کن بر غلامت جان آقا  
به فریادم برس رفتم ز دنیا

\*\*\*\*\*

**در این لحظه شوذب کشته می شود و عابس او را به خیمه می برد**

**عابس**

بخدمت تو رسیدم من ای غلام حزین  
بهشت بر تو گواراست دل مدار غمگین  
خوشا به حال تو باد ای غلام خوش منظر  
سلام من برسانی به نزد پیغمبر

\*\*\*\*\*

**عابس**

ایا قوم ملعون شوم دغا  
فرو رفته در مکر و ظلم و جفا  
چو از حد گذشت این زمان جورتنان  
به عابس فتاده سر و کارتتان  
کنون برکشم تیغ خود از نیام  
کنم مشرکین را همه تلخ کام  
به قتل شما گر ببندم کمر  
کنم رخنه ای در گروه شرر  
ز خیل شما ای جفاپیشگان  
مبارزطلب می کنم این زمان

\*\*\*\*\*

**شمر**

ای زاده بن سعد خطاکار بداختر  
 این کیست که غرنده چو شیر آمده بنگر  
 نه حضرت عباس بود نه علی اکبر  
 نه قاسم و نه عون و نه عبدالله و نه جعفر  
 از خیمه برون آمده چون ماه درخشان  
 چون شیر نهد پا به صف جنگ خرامان  
 لشکر همه از صولت او در هیجان است  
 در لرزه ز بیمش بدن ناموران است

\*\*\*\*\*

### جنگ الله اکبر عابسی شروع می شود

#### عابسی

گر چه این میدان به من تنگ آمده  
 زندگانی بهر من ننگ آمده  
 چون مرا عشق حسین اندر سر است  
 کی مرا پرواز تیر و خنجر است  
 چون مرا عشق حسین یار آمده  
 کی کمر بندم سزاوار آمده  
 خود نعلین و زره دور افکنم  
 بر شما ای کوفیان شورافکنم  
 با تن عریان کنم جنگ جهاد  
 عاشقان را این چنین باشد مردا  
 پا برهنه سر برهنه ای خدا

می‌کنم جان را به شاه دین فدا  
یا علی فتاح خیبر یا علی  
یا علی آقای قنبر یا علی

\*\*\*\*\*

### شمر

مگر شدی تو در این دم ز عمر خود بیزار  
به مثل آدم دیوانه گشتی آخر کار  
مگر خبر تو نداری که هست موقع جنگ  
برهنه پیکر خود کردی ای فلک اورنگ

\*\*\*\*\*

### عابس

نیستم دیوانه‌ای مردود دون  
عشق آقایم زده بر سر جنون  
از خودم بی خود نموده عشق او  
هر کجا باشد کنم من جستجو  
ای دوی دردمندان یا حسین  
ای پناه مستمندان یا حسین  
ای حسین آقا به فریادم برس  
جز تو دیگر من ندارم دادرس

\*\*\*\*\*

### شمر

خطاب من به شما ای جماعت کفار  
کشید تیغ جفا این زمان به عابس زار



ز ضرب سنگ نمایید جسم او بی جان  
کند شکایت ما با علی شه دوران

\*\*\*\*\*

### عابس

ناد علیاً مظهر العجائب  
تجدۀ عوناً لک فی النوائب  
کلّ همٍّ و غمٍّ سینجلی  
بعظمتک یا اللّٰه  
بنبوتک یا محمد  
بولایتک یا علی

\*\*\*\*\*

### جنگ الله اکبر عابس شروع می شود

### عابس

دمی مهلت بدهای بی مروّت  
به آقایم حسین دارم وصیّت  
بیا آقا وصیّت با تو دارم  
در این جا من یقین جان می سپارم  
توقع دارم ای آقای زیاری  
سرم را روی زانویت گذاری  
غرض رفتم ولی دل پر ملال است  
حلالم کن حلالم کن حلالم

\*\*\*\*\*

### امام حسین

لبیک آمدم ای وفادارم  
تا سرت را ز خاک بردارم  
راضی از کار شماها کردگار  
لطف حق ناصر بود روزشمار  
خطاب من بتو ای عابس حزین فکر  
سلام من برسان نزد احمد مختار

\*\*\*\*\*

### رجز خوانی شمر آغاز می شود

یا حسین گوش فرادار و ببین شمر جفاکار که با لشکر خونخوار شد  
آماده پیکار و به کف تیغ شرر بار و نماید به تو اخطار که امروز به ناچار و  
تو باید بگزینی یکی از این دو خطر را

اول از راه محبت بنما ترک بجاجت و مخور غصه امت مکش رنج  
مشقت و بده دست به بیعت. چه شود گر که تو همت کنی و مرغ سعادت  
فکند بر سر تو سایه و اقبال نظر را

دوم ای پور پیمبر پسر حیدر صفدر به علی آن میر غضنفر تو بدان کاین  
همه لشکر که در این دشت سرا سر همگی غائله گستر و بکف نیزه و  
خنهجر شده آماده که بر پا کند امروز شرر را

سخن دیگرم این است و همین است و چنین است که فرمانده لشکر  
پسر سعد لعین است و دلش منبع کین است و نشسته به کمین است و  
فقط عزم وی این است که خونین کند امروز رخ شمس و قمر را

سعی کن زاده زهران نشود غائله بر پا تو ببین لشکر اعدا که چه سان  
گشته مهیا همه چون گرگ به صحرا و نهنگند به دریا و در این تابش  
گرما زده از تشنه گیت آتش سوزان به جگر را. مسلم و حر و برادر همه

جا پیکر بی سر و به خون گشته شتاور و دگر بهر تو یاور بجز از قاسم و  
اکبر و ابوالفضل دلاور نبود یار دگر وقت آن است که از جنگ کنی قطع  
نظر زاده حیدر کرار خبر دار خبر دار بفرمان سپهدار پسر سعد جفاکار و  
ستم پیشه غدار دگر بار دگر بار نمایم به تو اظهار که یا بیعت و یا جنگ  
و یا زود بده خبر را

\*\*\*\*\*

## شروع نقش علی اکبر

شمر

ای شاه فلک رفعت ای خسرو خاور  
گردیده ز نور رخت آفاق منور  
بفرست بناچار سوی جنگ پسر را  
آن تازه جوانی که بود شیر پیمبر  
آنکس که بود حیدر ثانی به شجاعت  
گویند بود نام گرامش علی اکبر  
طبال بزن طیل که سعدم و ندارم  
خوفی به دل از روز جزا و صف محشر

\*\*\*\*\*

## امام حسین

تا در این دشت شد از جور فلک معبر من  
غم بیفزود دمادم به غم دیگر من

خوفم از کشته شدن نیست از آن می ترسم  
که اسیر ستم کینه شود خواهر من

آه و فریاد اگر نیست بجز قاسم و عباس مرا یاور و یار  
هم علی اکبر و سجاد دگر اصغر من

\*\*\*\*\*

## زینب

شوم فدای تو ای پادشاه تشنه لبان  
مگو چنین سخنان زینبت تو را قربان  
رضا مباش که زینب شود اسیر ستم  
سکینه دخترت افتد بدست نامحرم

\*\*\*\*\*

## امام حسین

باز غم بر ملک ویران دلم لشکر کشید  
میل از این عالم مرا بر عالم دیگر کشید  
در زمان واپسین ای خواهر غم پرورم  
دیده‌ام را شوق دیدار علی اکبر کشید  
کن طلب آید برم آن شبه روی مصطفی  
گو حسین را شوق به دیدار پیغمبر کشید

\*\*\*\*\*

## زینب

بدان فدای تو ای نور دیده تر من  
طلب نموده تو را عمه جان برادر من  
حسین برادر زارم سر سفر دارد  
در این سفر سفر مرگ در نظر دارد

اکبر زار رشید، بلبل باغ حسین  
از غم خود می‌نهی، داغ به داغ حسین  
این قد و بالای تو، حیف رود سوی گور  
دیده زینب شود، کاش ز هجر تو کور

\*\*\*\*\*

### علی اکبر

خیر مقدم عمه غم پرور بی یاورم  
ای ضیاء بخش دل و نور دو چشمان ترم  
عمه جان سوزد دلم بر حالت بایم حسین  
می‌روم جان را کنم قربان او با شور شین

\*\*\*\*\*

### امام حسین

بوی گیسوی علی اکبر من می‌آید  
یا صبا مُشک فشان سوی چمن می‌آید  
یوسف من مگر از محنت من آگاه است  
که سرافکنده سوی بیت حزن می‌آید

\*\*\*\*\*

### علی اکبر

السلام ای شرح متن کاف ها و یا و عین و صاد  
السلام ای گل نچیده از گلستان مراد  
چیست فرمان تو ای شاه ملائک پاسبان  
تا نهم سر را من از یاری به خاک آستان

\*\*\*\*\*

## امام حسین

ای علی اکبر ضیاء هر دو چشمانم علیک  
 قوّت روح روان ای سرو و بستانم علیک  
 ای ذبیح کعبه کوی سعادت مرحبا  
 ای شبیه حضرت ختم رسالت مرحبا  
 شوق دیدار تو بر دل داشتم جان پدر  
 زآنکه بودم عازم جنگ گروه بد سیر

\*\*\*\*\*

## علی اکبر

من چه سازم ای خدا بایم حسین زاری کند  
 گوئیا از بهر من از دیده خون جاری کند  
 ای پدر زنده است در دوران علی اکبر  
 خون چرا جاری شده از دیدگان انورت  
 گریه کم کن در رکابت جان فشانی می‌کنم  
 قابل این جان نیست در راه تو قربانی کنم  
 ای پدر حق محمد (ص) آن شه هر دو سرا  
 در منای قرب حق میسازد اکبر را فدا

\*\*\*\*\*

## بلافاصله می‌گوید

ای خدا در کار خود حیران شدم  
 هوشم از سر رفت و سرگردان شدم  
 مقفر اندازم و سر عریان کنم

جوشنم را از تنم بیرون کنم  
 چاره دیگر ندارم ای خدا  
 می‌کنم سر را برهنه تا به پا  
 می‌روم بار دگر نزد حسین  
 با فغان و ناله و با شور و شین  
 ای پدر جانم به قربان سرت  
 اذن فرما بر علی اکبر  
 من ذبیح کربلایم ای خلیل  
 دست من بر دامن تو الدّخیل

\*\*\*\*\*

### امام حسین

حالی که سیر گشته‌ای از سیرِ روزگار  
 حالی که وصل حور ز دل برده ات قرار  
 خواهی که لاله زار جوانی خزان کنی  
 خواهی که رخنه بر جگر دوستان کنی  
 رو از پی وداع سوی خیمه این زمان  
 نه مرهمی تو بر دل زندهای ناتوان

\*\*\*\*\*

### علی اکبر

شکر خدا که نخل امیدم ثمر گرفت  
 چشم صدف ز گریه شوقم گهر گرفت  
 منت خدای را که جهانم بکام شد

در راه دوست عمر عزیزم تمام شد  
**بلافاصله**

اهل حریم حسین نوبت اکبر رسید  
 مرتبه شور و شین نوبت اکبر رسید  
 نوبت جان بازی سبط پیمبر رسید  
 مادر بی غم گسار اکبر تو رفت و رفت  
 آه و سکینه بیا ماه مدینه بیا  
 دیده گشا خواهر را عمر به آخر رسید

\*\*\*\*\*

### زینب

اکبر زار رشید بلبل باغ حسین  
 از غم خود می نهی داغ به داغ حسین  
 این قد و بالای تو حیف رود سوی گور  
 دیده زینب شود کاش زهجر تو کور

\*\*\*\*\*

### مصرع زینب با امام حسین

#### زینب

برادر اکبرت عزم جدال کوفیان دارد

#### امام حسین

بلی خواهر بدل شوق وصال حوریان دارد

#### زینب



برادر نوجوان من کجا تاب ستم دارد  
**امام حسین**

کسی کو سر دهد در راه جانان گو چه غم دارد  
**زینب**

برادر یک نظر بر عارض یوسف مثالش کن  
**امام حسین**

برو خواهر تو هم از جان و دل این دم حلالش کن  
**زینب**

قدم خم گشته از محنت که او را نوجوان کردم  
**امام حسین**

بدان خواهر جوانم را فدای امتان کردم  
 \*\*\*\*

**زینب**

یک لحظه نما قرار عمه  
 آرام دل فکار عمه  
 عرضی است مرا به پیش بابت  
 گر او بکند ز من اجابت  
 دارم سخنی برادر من  
 ای نور دو دیده تر من  
 هستی تو به حشمت سلیمان  
 من مور ضعیف زار و نالان  
 گر ران ملخ تو را قبول است  
 این هر دو صغیر در حضور است

کن مرحمت ای عزیز زهرا  
بفرست به جنگ قوم اعداد

\*\*\*\*\*

**طفالن زینب در این لحظه آماده شده و وارد میدان می‌شوند**

**امام حسین**

خواهر تو مکن فغان و زاری  
زین بیش مکن تو بی قراری  
طفالن تو خواهر حزیننه  
باید بروند در مدینه  
در پیش پدر بناله و آه  
کم کن منما فغان و غوغا

\*\*\*\*\*

**طفالن زینب در این لحظه به نزد امام حسین می‌روند و با هم مصرع**

**می‌خوانند**

**عون**

به روی ما ز ره مرحمت نظر بگشا

**محمد**

بده اجازه میدان اشقیا بر ما

**عون**

به ما دو طفل حزین این زمان تو احسان کن

**محمد**

مرا به جان علی اکبرت تو قربان کن  
**عون**

مگر که این سر ما لایق شما نبود  
**محمد**

مگر که مادر ما خواهر شما نبود  
**عون**

نما تو لطف به این طفلهای غم پرور  
**محمد**

بده اجازه تو خالو به خالق اکبر  
**عون**

بیا مرا به فدای علی اصغرکن  
**محمد**

بیا مرا به فدای علی اکبر کن  
 \*\*\*\*

### زینب

گر تو باشی پسر نمی‌خواهم  
 جز تو نور بصر نمی‌خواهم  
 من که از دیده اشک ریز توأم  
 گر قبولم کنی کنیز توأم  
 پسرانم که نیک نام توأند

به خدا هر دوشان غلام توأند

\*\*\*\*\*

### امام حسین

تو کنیزم نه‌ای عزیز منی  
خواهر پاک و با تمیز منی  
گریه دیگر مکن دل تنگ  
پسرانت مرخصاً به جنگ

\*\*\*\*\*

### طوفان زینب با هم می‌خوانند

حمیده مادر ما چند دو دیده‌تر باشی  
شده است وقت که امروز بی پسر باشی  
تو دل شکسته و آقای ما حسین تنهاست  
خدا گواه است که امروز روز کشتن ماست  
اگر تو راست محبت به حال فرزندان  
مکن تو گریه و بر قد ما کفن پوشان

\*\*\*\*\*

### زینب

الهی شکر و شد کامم مسیر  
ندیدم خون طپیدن زلف اکبر  
بیایید ای کبوتر بچه هایم  
بلاگردان اکبرتان نمایم  
بخوابید ای دو گل شادان خرم  
که بر قد شما خلعت ببرم

درین جا جای عبدالله خالی است  
 ببینند تا که زینب در چه حالست  
 مسلمانان مرا زینب مگوئید  
 مرا محنت کش دوران بگوئید  
 زنی کو دیده است داغ دو فرزند  
 خبر دارد از این غم از دل من  
 مگوئیدم دل زینب ز سنگ است  
 چه سازم بر حسینم کار تنگ است  
 عزیزان بر مراد خود رسیدم  
 کفن بر قد طفلانم بریدم  
 عزیزان عید قربان است امروز  
 که قتل نوجوانان است امروز  
 به تعجیل ای دو طفل مو پریشان  
 روید این دم شتابان سوی میدان

\*\*\*\*\*

### طفال زینب با هم می خوانند

غرض که روی به میدان اشقیا داریم  
 ز بی کسان همگی حاجت دعا داریم

\*\*\*\*\*

### بلافاصله طفلان خطاب به ابن سعد می گویند

به ابن سعد بگوئید ای لعین تباه  
 به جنگ آمده نوباوه های عبدا...

\*\*\*\*\*

**ابن سعد**

عجب عجب به حسین کار گشته یاران تنگ  
 دو شیرخواره پسر را روانه کرده به جنگ

\*\*\*\*\*

**طفلان زینب با هم می خوانند**

ایا قوم بدطینت بدشعار  
 امیران این لشکر بی شمار  
 بگوئید با ما به صوت جلی  
 چه قصیر دارد حسین علی  
 کسی بر مسلمان نکرد این ستم  
 که کردید بر آل خیر الأمم  
 کنید رحم ای قوم بر حال ما  
 چه قصیر دارند اطفال ما

\*\*\*\*\*

**ابن سعد**

خلاصه این دو قمر چهره گر بشر باشند  
 یقین که شاه جگر تشنه را پسر باشند

\*\*\*\*\*

**طفلان زینب با ابن سعد (جنگ می کنند و این اشعار را می خوانند)**

بدان ز گلشن اولاد آل پیغمبر  
 به نام عون و محمد دو نو گل جعفر

\*\*\*\*\*

**شمر**

ایا گروه بگیرید نقد جاننش را  
 به ماتمش بنشانید خواهرانش را  
 شهاده گو سرت را ز تن جدا سازم  
 میان سر و تنت طرح دوری اندازم

**بلافاصله** \*\*\*\*\*

**شمر**

خیال آب مکنید از طریق رنج و عناد  
 در این زمین به شما آب کسی نخواهد داد  
 ایا گروه بگیرید نقد جانشان را  
 به ماتمش بنشانید خواهرانش را

\*\*\*\*\*

**پشت سر طفلان را می گیرد و آنان را به زمین می اندازد**

**طفلان**

ایا نتیجه امیدواری احباب  
 بیا دو کودک از پا فتاده را دریاب

\*\*\*\*\*

**زینب**

افغان	کودکانم	جان انا نظر کن
امداد	کودکانم	کن از ره محبت

\*\*\*\*\*

**امام حسین**

ای کودکان رسیدم لبیک خون مبارید  
 از دیده های پر خون سیلاب غم مبارید

ای کوفیان کافر خوفی ز روز محشر  
دست ستم بدارید از این دو طفل مضطر  
بیا تو زینب مضطر بدیده گریان  
که آمدن دو طفلان ز جانب میدان  
خجالت از رخ تو می کشم ایا خواهر  
برو سیاه ببر کن زداغ این دو پسر  
شدن کشته به شمشیر هر دو طفلانت  
تو بی پسر شدی و سوخت از الم جانت

\*\*\*\*\*

### زینب

یا علی از نجف از قبر برون آر سری  
به صف کربلا کن ز ترحم نظری  
پسری می رود چشم پدر از دنبال  
می گدازد پدری ز آتش هجر پسری

\*\*\*\*\*

### علی اکبر روانه میدان می شود

### علی اکبر

ای شه بارگاه عز و جلال  
هم نشین تو نصرت و اقبال  
جز لباس شهادت ای سرور  
می نزیبد به قامت اکبر

\*\*\*\*\*

### در این لحظه کفن آماده باشد



## امام حسین

من چسان پوشم کفن بر جسم این رعنا جوان  
ساعت دیگر شود صد پاره از تیغ و نسان  
خواهرم زینب بیا گیر این کفن بهر خدا  
بر علی اکبر به پوشان تا نماید جان فدا

\*\*\*\*\*

## زینب

ای برادر جان حسین زینب به قربان سرت  
من نپوشم این کفن بر جسم زار اکبر  
خبر نداشتم از مرگ ناگهانی تو  
که می‌رسد به تو در اول جوانی تو

\*\*\*\*\*

## علی اکبر

خدایا چه باشد مال حسین  
دل سنگ و سوزد بحال حسین  
نپوشیده‌ام ای پدر جان قبا  
کفن پوش و گشتم بدشت بلا  
نیارن و کس طاقت از مرد و زن  
که بر پیکر من بپوشند کفن  
بیا ای کفن تا ببوسم تو را  
بپوشم تو را و ببوسم تو را  
کفن ای کفن ای کفن ای کفن  
خراب از تو شد خانه‌های کهن

کفن می‌کنم خود بگردن کنون  
 که لب‌تر کنم بلکه از جوی خوی  
 بده صبر و ای کردگار جهان  
 به صغرای دل خسته ناتوان  
 بده صبر و بر زینب بی نوا  
 دگر بر سکینه و زین العباد  
 دریغا که صغرا ندارد خبر  
 کفن پوش گشتم روم در سفر  
 بدل داشتم آرزو ای خدا  
 شب عیش بندم بدستم حنا  
 حنایم ز خون گلویم شده  
 مهیا اجل رو به رویم شده  
 جوانان شماها بفصل بهار  
 گر افتد شما را به قبرم گذار  
 بکارید بر قبرم ای دوستان  
 گل و لاله و سنبل و ارغوان  
 جوانان شما چون عروسی کنید  
 ز ناکامی من بیاد آورید  
 که گردم جوان مرگ اندر جهان  
 شدم کشته از کینه دشمنان  
 خدایا چه سازم من خون جگر  
 سکینه ندارد ز عالم خبر  
 روانم به جنگ گروه خصان

سـکـیـنـه بـیـا از سـرـادق بـرو  
نـه بـیـنـی عـلی را تـو بـار دگر  
خـداحـافـظ ای خـواهر مـه سـیـر

\*\*\*\*\*

### سکینه

عـلی اکـبر کـجا روائـی  
مـگر ز خـواهر تـو دـلـگـرائـی

\*\*\*\*\*

### علی اکبر

روم بـه مـیدان سـکـیـنـه زار  
بـیـاری بـاب مـن دـل افـکار

\*\*\*\*\*

### سکینه

چـرا نـمـودی کـفن بـه گـردن  
بـکن کـفن را بـه گـردن مـن

\*\*\*\*\*

### علی اکبر

کـفن نـبـاشـد قـبـای شـادی  
بـتن نـمـودم بـنا مـرادی

\*\*\*\*\*

### سکینه

مشو تو راضی که اهل کینه  
زنند و سیلی رخ سکینه

\*\*\*\*\*

### علی اکبر

مشو تو راضی که شاه معراج  
چه من غلامی نماید اخراج

\*\*\*\*\*

### سکینه

مشو تو راضی به این عزیزی  
روم به شام کنم کنیزی

\*\*\*\*\*

### علی اکبر

برای شیعه اگر تو خواهر  
کنی کنیزی مشو مکدر

بلافاصله \*\*\*\*\*

### مصرع علی اکبر با سکینه

### سکینه

برادر از دل خبر نداری

### علی اکبر

سـکـینـه کـم کـن فـغان و زاری  
سـکـینـه

سـر بـر هـنـه دـوم قـفـایـت  
عـلی اکـبر

رـوم کـه آـب آـورم بـرایـت  
سـکـینـه

نـشـین بـه خـیمـه ایـا بـرادر  
عـلی اکـبر

بـرو بـه خـیمـه فـدات خـواهـر  
سـکـینـه

بـیا بـه خـنـجـر بـُـر زبـانـم  
عـلی اکـبر

تـو خـواسـتی آـب بـسـوخـت جـانـم  
سـکـینـه

مـرو کـه بـابـا غـریـب بـاشـد  
عـلی اکـبر

مـرا شـهـادت نـصـیب و بـاشـد  
سـکـینـه

حـسـین غـریـب اسـت کـسی نـدارد

عـلی اکـبر

تنم توانا بسی ندارد  
سکینه

بیا برادر رویم مدینه  
علی اکبر

ایا سکینه مزن به سینه  
سکینه

دو چشم صغری در انتظار است  
علی اکبر

مرا کجا میل بر دیار است  
سکینه

بحق اصغر تو باز گردان  
علی اکبر

بحق قرآن بکن پشیمان  
سکینه

ز هجر اکبر ز پا فتادم  
علی اکبر

پدر حسین جان برس بدادم

بلا فاصله

برو در خیمه کم کن گریه خواهر  
روم در جنگ این قوم بد اختر

\*\*\*\*\*

**امام حسین**

دمی بایست ایا نور چشم خون بارم  
 که تا گُمیت سَبُک سَیَر در برت آرم  
 بیاد به نزد من ای زینب حزین فکار  
 عنان مرکب اکبر بگیر با دل زار  
 بگیر بازوی اکبر سَکینه ناشاد  
 گمان کنید علی اکبرم شده داماد

\*\*\*\*\*

**علی اکبر سوار بر اسب می شود****امام حسین**

اَللّٰهُمَّ الشَّهَدَ عَلٰى هٰؤُلَاءِ الْقَوْمِ  
 لَقَدْ بَرَضَتْ اِلَيْهِمْ غُلَامٌ اَشَبَّهَ النَّاسُ  
 خُلُقًا وَّ خُلُقًا وَّ مَنَاطِقًا بِهِ رَسُوْلُكَ  
 الهی شوم چون مرغ اگر بسمل بزیر خنجر قا تل  
 مرا آسان بود اما فراغ این جوان مشکل  
 خدایا با تو آن عهدی که کردم آن چنان کردم  
 چنین رعنا جوانی را فدای امتان کردم  
 ز وعدهای که بدرگاه کبریا کردم  
 تو شاهدی که به آن وعدهها وفا کردم  
 ز بوستان رسالت گلی ز دستم رفت  
 خدا بداد دلم رس علی ز دستم رفت

\*\*\*\*\*

**علی اصغر برای علی اکبر آماده شود**

## علی اکبر

بس است این همه آه و شور و نوا  
روان شو تو اکبر بجننگ دغا

## بلافاصله\*\*\*\*\*

عشق گوید رو دم شمشیر و نی  
عقل گوید مادرت آید زپی  
عشق گوید رو دم شمشیر و تیر  
عقل گوید خواهرت گردد اسیر  
لازم آمد من دوچشمان تر کنم  
یک وداعی با علی اصغر کنم  
خواهر ای خواهر بیا اندر برم  
در برم آور علی اصغر  
ای برادر جان علی اصغر  
دسته‌های کوچکت کن گردنم  
زیر حلقومت ببوسم یا اخوا  
چون که می‌گردد هدف تیر بلا  
گر بگویم یاری بابت نما  
طفلی و یاری نیاید بر شما  
ای خوش آن روزی که ما هم خانمانی داشتیم  
در بر اهل وطن قدر و مقامی داشتیم  
آخر ای دنیا مگر یک جو مروت در تو نیست  
ما دل بی کینه و قلب کبابی داشتیم  
ای پدر این طفل را به تو می‌سپارمش



چون صغیر است و من دوست دارمش  
دیگر به قیامت است دیدار  
ای اهل حرم خدا نگهدار

\*\*\*\*\*

**علی اکبر به میدان می‌رود و رو به ابن سعد می‌گوید**

**علی اکبر**

به ابن سعد بگویید آن لعین شرر  
طلب نموده تو را این زمان علی اکبر

\*\*\*\*\*

**ابن سعد**

حاشا و کلا و لا حول و لا قوه الا وبالله  
هر دم بیاید گلی برویت روی سعادت  
به خاک کویت هست و مروت  
حرف وجودش وجود حرفت  
پرتو وجودش روح مماتت  
شمس وقاشش حب العمر  
که ذاتش به دوسر عمر یک گفته  
که چون است کمالات پسندیده  
اگر هست چون حسین بی کس  
عقل ندانست که ندانست کهسی صبر علی را  
به دو زحمت اندیشید  
آن سواره کربلای دل و دین است  
صد خانه پر ندا که در خانه دین است

\*\*\*\*\*

## ابن سعد

\_\_\_\_\_

## ابن سعد

بر سوی میدان کن نظر

## شماره

من نظاره کردم ای بی دادگر

## ابن سعد

سردار، یک جوان بر سر نهاده خود و زر

## شماره

دیدمش ای یادشاه حاکم بسر

## ابن سعد

از چه ریزی خاک بر سر ای دلیر  
شمر

معجزی دیدم که بر من شد یقین  
ابن سعد

معجز از روی رخس دیدی نترس  
شمر

گر به میدان لااقل باشد پیمبر ای امیر  
ابن سعد

می‌شناسی کیست این فرد منیر  
شمر

بس که باشد ابن سعد بی حیا  
ابن سعد

نه نیست پیغمبر بدان ای رو سیه  
شمر

آه و فریاد از غریبی حسین  
ابن سعد

اکبر است دارد به دل شور حسین  
شمر

جانم حیفم آید از آن جوان گل‌عذار  
ابن سعد

شمر گیر این تیغ و سرش را نزد من آر  
شمر

پس تفحص کن از آن افغان زار

\*\*\*\*\*

شمر

این کسیت این، این کسیت این، این یوسف ثانی است این، یا آب  
 حیوانی است این، این شام جان افزار است این، یا جنت المأوی است این،  
 ساقی خون ماست این، یا باده جانهاست این، این کیست این، این کیست  
 این، سمیت و خرامات توأم، موقوف فرمان توأم، اسحاق قربان توأم،  
 مسوی عمرانی است این، خورشید رخشان می رسد، با هوی و شادان  
 می رسد این کیست این، این کیست این، هذا جنون العاشقین، از آسمان  
 خوشتر شده، بین نور او روی زمین، بی هوش جانهاست این، یا گوهر  
 جانهاست این، یا سرو بوستانهاست این، یا صورت روح الامین، یا صورت  
 محمدی (ص) خورشید اندر سایه اش، افزون شده سرمایه اش صد ماه  
 اندر خدمتش، چون نسل طاهر دانه چین، بسم ... روح القبا، بسم ...  
 شیرین لقا، بسم ... شمس الضحی، ایوب را آمد نظر، یعقور را آمد پسر،  
 خورشید شد جفت قمر، در مجلس عطرت ببین، من و عشق این مه  
 خوب روی چه خورد سلای ولای او به نشاط و به به شد فرو که ان شهید  
 و به کربلا همه اهل مسجد و صومعه پی غرق صبح و دعای شب و من  
 ذکر طلعت طره تو و من القدات الا العشاء، دل من به عشق تو می نهد  
 قدم و فاز ره طلب، صَنِعَ صَمْعًا و بهی صَغَا فلَعَنَ عِشًا و بهی غشاء چه جفا  
 که جامی خسته دل زجدائی تو نمی کشد قدم از طریق وفا بکش سوی  
 عاشقان جفا کش پا نه

بعد از من که ترسیدم شما دانید

\*\*\*\*\*

## علی اکبر

پر سی از نام من ای بی خبر از محشر و سنگین دل کافر که زنامم کنم  
آغاز تو با لشکر مردود دغا را

منم آن عیسی دجال کش ای فرقه دجال که با رعیت و اجلال رسیدیم  
زپی کشتن این فرقه ابطال که از کینه شکستند زکین نور دل شیر خدا را  
باز واضح تر از آن گویم و تو رفیق زحق جویم اگر حق نشنا سید بگویم  
بشناسید

منم آن پاک گهر نیک سیر که از طرف آورده بروم زید قدرت خود  
حضرت داور

منم آن سبط پیمبر گل گلزار علی ساقی کوثر و جگر گوشه زهرای  
مطهر باب من هست حسین شافع محشر  
جوانی که مرا نام نهادند علی اکبر

دانید امشب چه شبی هست شب جانبازی اکبر  
شب دامادی قاسم، شب قنடைه بخون گشتن اصغر، پس شما گوش دهید  
لحظه ای بر ناله طفلان

چه سکینه، چه رقیه، چه علی اصغر بی شیر و دگر مادر او با همه زنهای  
دل افسرده و پژمرده همه در ناله و افغان

\*\*\*\*\*

## شعر جدید خوانسار خوانده می شود.

ای غریب کربلا سلطان بی لشکر حسین  
آدمم با فوج لشکر مر تور را بی سر کنم

چون سه تاره بی شـ ماره لشـ کر را بر هم برست  
 صفحه سان جسم تو را از کف به نی مجر کنم  
 خواهم از تیغ و سنان جسم تو اندر خاک و خون  
 هم قطار نعلش عباس و علی اکبر کنم  
 آنچه در حکم تو دارم من سفارش از یزید  
 صد مراتب با تو من امروز بالاتر کنم  
 بی نظیرم در شقاوت بی بدل اندر مصاف  
 یک نفر من در جدل، کار دوصد لشکر کنم  
 پا برون نه تا ببینی، آنچه گویم یا حسین  
 عرصه گاه رزم را، هنگامه محشر کنم  
 هل مبارز و منی، حسین تشنه جگر  
 مبارز تو نیامد، چرا صف لشکر

\*\*\*\*\*

### علی اکبر

ایا ابن سعد زحق بی خبر  
 برون رفته از دین خیر البشر  
 نه ما آخر اولاد پیغمبریم  
 برازنده خلعت داوریم

\*\*\*\*\*

### علی اکبر

العطش ای باب زارم العطش  
 العطش ای دل فکارم العطش  
 رفتم بسوی لشکر و آبم نمی‌دهند

غیر از سنان و نیزه جوابم نمی‌دهند

\*\*\*\*\*

### امام حسین

بیا که در دهنت خاتم رسول مجید  
گذارم ای چمن آرای عرصه امید  
چه نیست ممکن ایا نور دیده بهرت آب  
برو که ساقی کوثر کند تو را سیراب

\*\*\*\*\*

### گفتگو و مصرع شمر با ابن سعد

شمر

نظری به این جوان کن که بود چو ماه تابان

\*\*\*\*\*

### ابن سعد

نروم مقابل او که بود دو دیده گریان

شمر

مگر این جوان محمد و رسول عالمین است

### ابن سعد

نه نه بخدا رسول نبود علمی اکبر حسین است

شمر

نه نکشم من این جوان را که بود غریب و بی یار

### ابن سعد

نکشم من این جوان را که بود دو دیده خونبار  
شمر

نه نکشم من این جوان را که دل شراره دارد  
ابن سعد

نکشم من این جوان را که ونظر به خیمه دارد  
شمر

تو بکش که وعده دادی دل مادرش بسوزی

ابن سعد

تو بکش که وعده دادی دل خواهرش بسوزی  
شمر

نه، تو بکش که وعده دادی که حسین شود جگر خون

ابن سعد

تو بکش که وعده دادی دل مادرش کنی خون  
شمر

تو بکش که وعده دادی بشود سکینه محزون  
شمر

تو بکش که وعده دادی دهدت یزید عمارت  
ابن سعد

نه تو بکش که وعده دادی دهدت یزید خلعت

\*\*\*\*\*



## علی اکبر

ایا نتیجه امیدواری احباب  
بیا و اکبر از پا فتاده را دریاب

\*\*\*\*\*

## شمر

نه زمحشر زخدای ازلی می‌ترسم  
نه ز زهرا و پیمبر و علی می‌ترسم  
ری بهشت است و سروراست مرا ابن زیاد  
پی این کار مرا روز ازل مادر زاد

\*\*\*\*\*

**امام حسین سوار بر اسب می‌شود و کنار نعش علی اکبر می‌رود**

## امام حسین

یوسف گلگون قبا آه علی اکبرم  
گم شده در کربلا آه علی اکبرم  
از دل یعقوب پیر حال شدم با خبر  
چون تو شدی سر جدا آه علی اکبرم  
کدام گوشه میدان کین تو را وطن است  
بده جواب پدر گر سر تو در بدن است  
بده جواب پدر را که طاقتم طاق است  
حیات بر پدرت یا علی دگر شاق است  
به روی من علی اکبر دو چشم خود واکن  
منم حسین پدر تو دلم تسلی کن

\*\*\*\*\*

## امام حسین سر علی اکبر را بر دامن می گیرد

خدا داند که من طاقت ندارم  
علی را بر در خیمه رسانم  
جوانان بنی هاشم بیائید  
علی را بر در خیمه رسانید

\*\*\*\*\*

علی اکبر شهید می شود و یاران امام او را سوار بر اسب کرده و به  
سوی خیمه می آورند

شمر

یا حسین از چه نشستی تو چنین گرم خیال  
بلکه از خاطر تو محو شده جنگ و جدال  
یاورانت همه سیرآب ز شمشیر و سنان  
نیست دیگر به دلت ای شه دین هیچ ملال  
قاسم را بفرست ای شه دین در میدان  
تا شود کشته ز تیغ ستم قوم ضلال

\*\*\*\*\*

ابن سعد

قاسم تا به کی امروز به پی پرده سرایی  
بخود بالی و به میدان نظرا ندازی و بر جنگ نپردازی  
که تا من گوش کنم سرزنش قوم ستم را  
و به ارواح معاویه ملعون بداختر  
به جان پسر سعد ستمگر  
که کشم تیغ شرر وار و کنم غائله برپا

و دگر قطع کنم سلسله احمد مختار  
 هل من مبارز یا حسین قتل تو جایز یا حسین

\*\*\*\*\*

### امام حسین

داد از تو کینه جوی جفا گستر ای فلک  
 داری چه فتنه‌ها تو به زیر سرای فلک  
 افکنده‌ای به معرکه دشت کار زار  
 بر خاک نخلِ قدِ علی اکبر ای فلک

\*\*\*\*\*

### قاسم

السّلام ای شافعی بر عاصیان روز جزا  
 بر یتیمان رحم کن ای سرور از بهر وفا  
 من یتیمم ای عمر دست من و دامان تو  
 کن مرخص جان خود را من کنم قربان تو

\*\*\*\*\*

### امام حسین

صد علیک ای نو گل باغ حسن  
 ای نهال گلشن باغ زمن  
 ای صغیر خون جگر افغان مکن  
 صحن دامن را پر از مرجان مکن  
 گر چه دائم مطلبت را سر به سر

ساز افشا ای یتیم خون جگر

\*\*\*\*\*

### قاسم

ای عمّ تاج دار و شه‌نشه سرورم  
خواهم که جان خویش براه تو بسپرم  
در جان فشانی تو مثال کبوترم  
خواهم به خاک غلطم و خون ریزد از سرم  
دارم توقعی که سازیم سرفراز  
در روز حشر نزد خدا و پیمبرم

\*\*\*\*\*

### امام حسین

ای نو نهال باغ حسن سرو نو برم  
روشن ز عارض تو بود دیده ترم  
دائم ز روی ماه تو تسکین شود دلم  
هستی تو یادگار جمال برادرم  
از تیغ کین چه گونه تو را من نظر کنم  
بر روی خاک قدّ رسایت برابرم

\*\*\*\*\*

### قاسم

عمو یتیم نوازی بکن بدار جهان  
مرا بدور سر طفل‌های خود گردان  
اگر چه طفلم و هستم یتیم ای سرور

مرخصم بنما جنگ لشکر کافر  
عمو ز من بشنو دست من به دامن  
مکن یتیم نوازی شوم به قربانت

\*\*\*\*\*

**نامه ای جهت قاسم آماده شود و به بازوی قاسم بسته شود.**

**امام حسین**

بگذر از این خیال ایا نور دیده گان  
اذنت نمی‌دهم بسوی لشکر خسان  
رو کن به خیمه در بر مادر به شور شین  
پشتم شکست داغ علی اکبر حسین

\*\*\*\*\*

**قاسم**

کنم چه چاره خدایا دگر به این غم و شین  
که را شفیع کنم خدمت امام حسین  
که آه آه بیامد بیاد این محزون  
نوشته‌ای که پدر داده با دل پر خون  
عمو زکید زمانه دگر چه غم دارم  
به خون خویش ز مهر پدر رقم دادم  
به خط مهر حسن کن نظاره ای سرور  
مرخصم بنما جنگ لشکر کافر

\*\*\*\*\*

**امام حسین**

کرده رقم برای تو باب بزرگوار  
 کی قاسم ستم زده زار و اشکبار  
 بر من وصیت است که تا شاد سازمت  
 بر سر نهم تو را ز وفا تاج افتخار  
 برو به جانب میدان خدا نگهدارت  
 خدا وجود تو را از بلا نگه دارد

\*\*\*\*\*

**قاسم**

ایا ابن سعد ز حق بی خبر  
 برون رفته از دین خیر البشر  
 نه ما آخر اولاد پیغمبریم  
 برازنده خلعت داوریم  
 منم قاسم آن نوجوان دلیر  
 که امروز گردهم کنون شیرگیر  
 ولی حیف و لعل لبم تشنه است  
 ز سوز عطش قلب من خسته است

\*\*\*\*\*

**شروع به جنگ کردن می کند**

**قاسم**

العطش ای عم زارم العطش  
 العطش ای دلفکارم العطش  
 رفتم به سوی لشکر و آبم نمی‌دهند  
 غیر از سنان و نیزه جوانم نمی‌دهند

\*\*\*\*\*

### امام حسین

بیا که در دهنت خاتم رسول مجید  
 گذارم ای چمن آرای عرصه امید  
 چه نیست ممکن ایا نور دیده بهرت آب  
 برو که ساقی کوثر کند تو را سیراب

\*\*\*\*\*

### قاسم دوباره جنگ می‌کند

#### قاسم

یا صاحب ذوالفقار وقت مدد است  
 یا والد هشت و چار وقت مدد است  
 درهای امید بر رُخم بسته شده  
 یا جد بزرگوار وقت مدد است

\*\*\*\*\*

شمر

ایا گروه بگیرید نقد جانش را  
به ماتمش بنشانید خواهرانش را

\*\*\*\*\*

### قاسم

ایا نتیجه امیدواری احباب  
بیا و قاسم از پا فتاده را دریاب

\*\*\*\*\*

### امام حسین

خدایا رفت از سر عقل و هوشم  
صدای قاسمم ناید بگوشم

\*\*\*\*\*

### قاسم

شوم فدات عمو جان برس بفریادم  
بکن خلاص عمو جان ز چنگ جلادم

\*\*\*\*\*

### امام حسین

مخور تو غصه عمو جان رسم بفریادت  
کنم خلاص عمو جان ز چنگ جلادت

\*\*\*\*\*

### قاسم

عمو فدای تو گردم بدار دست از جنگ  
مکن مقاتله شاها دمی نمای درنگ



تو جنگ می‌کنی و جان برفت ز اعضا  
شکست زیر سم اسب استخوانهایم  
عمو به چشم یتیمی به من نگاه مکن  
به ماتمم به حرم منع اشک و آه مکن

\*\*\*\*\*

### امام حسین

ای نونهال باغ حسن این چه حالتست  
ای نور دیده‌تر من این چه حالتست  
پشتم شکست از غمت ای نور هر دو عین  
مرگ تو هست صعب‌تر از اکبر حسین

\*\*\*\*\*

نقش قا سم در این لحظه به پایان می‌رسد و نعش وی تو سطر امام به  
خیمه برده می‌شود.

\*\*\*\*\*

### شمر حضرت عباس را طلب می‌کند

#### شمر

عباس ایا پور علی حیدر کرّار  
هر چند نصیحت به تو کردم من غدار  
از من نشنیدی نپذیرفتی در این دشت  
گویا که نداری خبر از لشکر کفّار  
ای لشکر کفار خبردار خبردار  
ابن سعد ستمکار خبردار خبردار  
ای خولی خونخوار خبردار خبردار

ای منقذ جرّار خبردار خبردار  
گیرید به کف تیغ و به دست دیگر اسیر  
نزدیک شده جنگ خبردار خبردار

\*\*\*\*\*

### حضرت عباس

ده رخصت جهاد به عباس یا ابا  
کاری کنم فغان عدو بر سما رود

\*\*\*\*\*

### امام حسین

دلم چگونه رضا می شود برادر جان  
تو را به جنگ فرستم به سوی قوم خصان  
بیا که روی تو بوسم مکن فغان و خروش  
ز حرب جان برادر دگر تو چشم بپوش  
غرض اجازه نداری به حرب این لشکر  
چرا غریب بود اهل بیت پیغمبر

\*\*\*\*\*

### حضرت عباس

بزرگوار خدایا دگر چه چاره کنم  
به این گروه غریبان چسان نظاره کنم  
شوم فدای تو ای نور چشم شاه زمن  
بده اجازه میدان اشقیا بر من

\*\*\*\*\*

## امام حسین

مگو چنین سخنان ای برادرم عباس  
 که نیست رخصت میدان ایا سلاله ناس  
 اگر که کشته شوی زینبم اسیر شود  
 برای کشتن من دشمنان دلیر شوند  
 رضا مباحش که زینب اسیر و خوار شود  
 اسیر قوم گروه ستم شعار شود  
 رضا مباحش سکینه شود خرابه نشین  
 رضا مباحش که سیلی خورد ز شمر لعین  
 رضا مباحش که خواهش کنند قوم لئام  
 ز دختران عزیزم کنیزی اندر شام

\*\*\*\*\*

## حضرت عباس

کنم چه چاره خدا دگر به این غم و شین  
 اجازه بهر من زار نیست پیش حسین  
 بکن ز خسرو خوبان کناره‌ای عباس  
 بکار خی مکن استخاره‌ای عباس  
 نشسته‌ای تن همچون گل حسین بینی  
 ز ضرب تیر و سنان پاره پاره‌ای عباس  
 نشسته‌ای تن اکبر چه گل فتد به زمین  
 بروی خاک نمائی نظاره‌ای عباس  
 چرا دل تو نسوزد به اهل بیت حسین  
 مگر که هست دل از سنگ وخاره‌ای عباس

ز جای خیز بکن جان خود فدای حسین  
 بغیر کشته شدن نیست چاره‌ای عباس  
 اگر چه رخصت حربم نمی‌دهی آقا  
 یراق و اسلحه‌ام پیش کش از آن شما  
 چون نیست رخصتم ز توای شاه‌انس‌وجان  
 خود را هلاک نیزه و تیر و سنان کنم  
 رو آورم به مرقد شاه نجف علی  
 من شکوه تو با پدر مهربان کنم  
 یا علی گفתי که درمانی بفریادت رسم  
 یا علی درمانده‌ام آقا بفریادم برس

\*\*\*\*\*

### علم حضرت عباس آماده باشد

#### امام حسین

مریز اشک ایا نور دیده‌ام عباس  
 بیا که روی تو بوسم من ای سلاله ناس  
 علم چه گشت نگون پشت لشکر شکند  
 خدا کند که فلک بی برادرم نکند  
 علم نگون چه شود دشمنان دلیر شوند  
 پی گرفتنم این قوم شیر گیر شوند  
 علم بگیر برادر تو از ره احسان  
 توئی به رتبه علمدار لشکر ایمان

\*\*\*\*\*

### حضرت عباس

به من بگو عَلم بی سپاه را چه کنم  
 به من بگو عَلم اشک و آه را چه کنم  
 عَلم برای تو خوب است اگر سرت باشد  
 وگرنه خاک بفرق برادرت باشد

\*\*\*\*\*

### امام حسین

مگو چنین سخنان دیده‌ام مکن گریان  
 هزار جان یتیمان من تو را قربان  
 خدا گواست ز هجرت دو دیده‌تر دارم  
 تو را ز اکبر خود من عزیزتر دارم  
 مکن ز درد جدائی دو دیده گریانم  
 نشین به دور تو طفلان خود بگردانم

\*\*\*\*\*

### طفالن آماده باشند

#### سگینه

عمو ز عطش دلم کباب است  
 گویا به حرم که قحط آب است  
 سقای حرم تو فکر ما کن  
 عمو نظری به طفلها کن  
 کردند همگی ز تشنگی غش  
 بشنو همگی شدند بیهوش

\*\*\*\*\*

### حضرت عباس

مخور تو غصه عمو جان که تا مراست حیات  
 بدفع تشنگیت آورم من آب فرات  
 برادر این همه اندوه دیدنم تا کی  
 ز دختر تو خجالت کشیدنم تا کی  
 سکینه آب ز من خواست من کباب شدم  
 ز شرم آب به پیش سکینه آب شدم  
 چه می شود که به ضراب خانه انفاس  
 زنند سکه به نقد ای شهادت عباس

\*\*\*\*\*

### امام حسین

بزرگوار نظر کن به طفل های حسین  
 که دور من بگرفتند کنون به شیون و شین  
 کنون که هست تو را شوق جان نثاری من  
 که می روی ز نظر همچو اشک جاری من  
 به سوی خیمه روان شو به چشم گوهر بار  
 به زخم زینب و کلثوم مرهمی بگذار  
 بده تسلی زینب که بی کس و زار است  
 بدوش بار غمش را غم تو سر بار است

\*\*\*\*\*

### حضرت عباس

مخدرات ز عباس هر که رنجیده  
 در این سفر اگر از من کسی بدی دیده  
 کنید حضرت عباس را حلال شما

که اذن جنگ گرفتم ز سیّدالشهداء

\*\*\*\*\*

**طفلان شکمهای خود را بر روی خاک می نهند**

**حضرت عباس**

بهر طرف که روم راه من شده بسته  
سکینه بر سر راهم ز مهر بنشسته  
ز هر طرف که روم راه بسته می بینم  
سکینه را به سر ره نشسته می بینم

\*\*\*\*\*

**بلافاصله حضرت عباس سکینه را به خیمه می رساند**

**زینب**

نشاط روز جوانی عصای پیری من  
تو می روی به خدا راست شد اسیری من  
شنیدم از پدر و جد و مادرم زهرا  
تو را شهید کنند در زمین کربلا  
یقین زبعد تو زینب زغصه خواهد مرد  
بگو که نعش مرا در مدینه خواهد برد؟  
که بر جنازه زینب نماز بگذارد؟  
برد به پهلوی زهرا به خاک بسپارد

\*\*\*\*\*

**حضرت عباس**

فغان و آه ازین چرخ دون شعبده باز  
 نشد نصیب دوباره روم به شهر حجاز  
 بیای محمل تو همچو نوکر ای خواهر  
 علم بدوش کشم تا به قبر پیغمبر

\*\*\*\*\*

### زینب

قسم به تربت پر نور مادر و پدرم  
 تفاوتی نکند از تو و حسین به برم  
 مکن خیال که من خواهر عزیز توام  
 بکن خیال نیم خواهرت کنیز توام

\*\*\*\*\*

### سکینه و اهل بیت جهت رفتن به میدان آماده شوند

#### حضرت عباس

خواهرا یکدم وصیت گوش کن  
 شمع بزم عیش را خاموش کن  
 می رود عباس و از دست شما  
 می شود بی کس حسین در کربلا  
 خواهرا کلثوم گیر از من علم  
 کن علمداری بشاه محترم  
 غاشیه بر دوش کن ای فاطمه  
 دور کن از خود سکینه واهمه  
 گیر از من ذوالفقار حیدری  
 کن تو بر سبط پیمبر یآوری



جان فدایت ای شه گردون وقار  
 عرض حال است این به توسن شو سوار  
 سرفدایت ای امام محترم  
 شو روان از پیش و با اهل حرم  
 تا که سیر قد و بالایت  
 کنم سیر این قد دل آرایت کنم  
 ... اکبر ... اکبر، شاهی سوار است  
 لشکر پیاده، همچون ستاره دنبال ماه است  
 یاران عزیزان، شه بی پناه است  
 فرزندان حیدر یاور ندارد  
 شمر ستمگر بر قصد شاه است  
 برگرد و آقا بوسم رکابت،  
 بنگر غلامت چشمش به راه است

\*\*\*\*\*

**امام سوار بر اسب می شود و اهل بیت پشت سر او حرکت می کنند**

**امام و عباس با هم**

باز آی تا بگرییم چون ابر در بهاران  
 کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران  
 هر کس برادر مرد اندر غم برادر  
 بر حال ما بگریید ای شعیان حیدر

\*\*\*\*\*

**زینب**

فریاد ای عزیزان ما جمله بی پناهم  
در این میان صحرای بی یار و داد خواهیم

\*\*\*\*\*

### امام حسین

هر کس برادرش مرد اندر غم برادر  
بر حال ما بگریید ای شیعیان حیدر

\*\*\*\*\*

### زینب با اهل بیت

عباس با حسینم باشند دیده گریان  
عباس کشته گردد از جور قوم عدوان

### امام حسین با عباس

انیس بی کسان داد از جدائی  
برادر داد و بیداد از جدائی

\*\*\*\*\*

### زینب با اهل بیت

جدائی می‌کند بنیاد ما را  
خدا بستاند از وی داد ما را

\*\*\*\*\*

### سکینه آماده باشد.

### حضرت عباس

مرا که نیست به بر مادری چه چاره کنم  
 بغیر آنکه گریبان صبر پاره کنم  
 اگر که بود مرا مادری درین صحرا  
 مرا کفن بنمود از طریق مهر و وفا  
 \*\*\*\*\*

**پرچم - مشک و کلاه خود و سپر جهت این قسمت آماده باشد.**  
**عباس تو سطا امام ح سین کفن می شود و جنگ می کند و به فرات**  
**می رود که سکینه جلوی او را می گیرد**

**سکینه**

جناب عمو کجا روانی  
**عباس**

روم به سوی نجف زمانی  
**سکینه**

شنو تو جانم ایا عمو جان  
**عباس**

زبان حالت بگو عمو جان  
**سکینه**

زما یتیمان تو سیر گشتی  
**عباس**

عمو چه سازد ز تیر بختی  
**سکینه**

من ستم کش کنیزت هستم  
حسین قریب است کسی ندارد

**عباس**

تنم توانا بسی ندارد

**سکینه**

بیا به نزد شه مدینه

**عباس**

روم مدینه آیا سکینه

**موزیک با صدای بلند از بلندگو پخش شود**

**سکینه**

با با جان حسین

عموی من قریب است به خدا یاور ندارد

عممو جان عباس

بابای من غریب است بخدا مادر ندارد

عممو جان عباس

تو می‌روی مادیگر سقا نداریم

عممو جان

تو می‌روی ما دیگر سپه سالاری نداریم

عممو جان عباس

تو می‌روی ما دیگر علمداری نداریم

عموی بی قرینه چرا گریه می‌کنی

قربانیت سـکینه چرا گـریه میـکنی  
 بیا دورت بـگـردم بیا دسـتت بـبـوسـم  
 بـیا پـایـت بـبـوسـم  
 عـمـو دـل مـن زغـم مـرنـجـان  
 از اهل حـرم تـو رـو مـگـردان  
 بـنـگـر پـدرم غـریب و تـنـهـاسـت  
 تـنـهـا بـه بـر گـروه اعداـسـت  
 بـنـشـیـن و مـرو بـه سـوی مـیدان  
 کـن یـاری بـابـم ای عـمـو جـان

\*\*\*\*\*

**سکینه پس از خواندن ۱ شعار عقب عقب می رود و خود را روی زمین**  
**می اندازد حضرت عباس او را از زمین بلند می کند و می گوید**

**حضرت عباس**

گـریه مـکن ایـن رـوا نـبـاشـد  
 عـمـوی تـو بـی و فـا نـبـاشـد  
 تـا جـان بـودم بـه تـن عـمـو جـان  
 کـی دـور شـوم ز شـاه خـوبـان  
 سـازم ز حـریم حـق حـمـایـت  
 از خـسـرو دین شـه ولایـت  
 سـازند و جـدا اگـر دـو دسـتـم  
 حـامی حـرم هـمـیـشـه هـسـتـم

**بلافاصله حضرت عباس\*\*\*\*\***

گریه مکن این روا نباشد  
 عموی تو بی وفا نباشد  
 تا جان بودم به تن عمو جان  
 کی دور شوم ز شاه خوبان  
 سازم زحریم حق حمایت  
 از خسرو دین شه ولایت  
 سازند جدا اگر دودستم  
 حامی حرم همیشه هستم  
 مخور تو غصه عمو جان که تا مرگ است حیات  
 به دفع تشنگیت آورم من آب فرات

\*\*\*\*\*

**بلافا صله حضرت عباس جنگ می کند و به سمت فرات می رود و از  
 بلندگو صدای آب پخش شود.**

### **حضرت عباس**

یا صاحب ذوالفقار وقت مدد است  
 یا والد هشت و چار وقت مدد است  
 درهای امید بر رخم بسته شده  
 یا باب بزرگوار وقت مدد است

\*\*\*\*\*

**وقتی حضرت عباس به فرات رسید شعر این شعر را بگوید**

### **شمر**

ای گروه از بهر جنگ سازید قیام  
 نگذارید آب را برد اندر خیام

دور او را این زمان سازید تنگ  
حمله با شمشیر سازید یا به سنگ

\*\*\*\*\*

### حضرت عباس

فرات ای فرات ای فرات  
دو دستم جدا می‌شود از برات  
سکینه کند العطش از برات،  
فرات ای فرات ای فرات

\*\*\*\*\*

از بلندگو صدای نی پخش شود. دستها آماده باشد.

### حضرت عباس

فرات از تو دلها پر از خون شده  
سرشک سکینه چو جیحون شده  
دو چشم رقیه پر از خون شده  
فرات ای فرات ای فرات  
کند عابدین العطش از برات  
کند طلفهای حسین غش از برات  
فرات ای فرات ای فرات  
ای آب فرات خاک عالم به سرت  
از بهر حسین چرا نسوزد جگرت  
سوزد جگر حسین برای تو هنوز

ای کاش کربلا نمی‌شد گذرت  
 ای نفس با عباس مدارا کن  
 چون بنوشم ای خدا آب زلال  
 عابدین از تشنگی شوریده حال  
 فرات ای فرات ای فرات

\*\*\*\*\*

### ابن سعد

آب برداشت تا نزدیک دهان  
 تا بنوشد لحظه ای آب روان  
 منصرف از خوردن این آب گشت  
 مشک را آب کرد و بر مرکب نشست

\*\*\*\*\*

### از بلند گو صدای نی پخش شود

### حضرت عباس

افتاد دست راست خدایا ز پیکرم  
 بر دامن حسین برسان دست دیگرم  
 دست چپم به جاست اگر نیست دست راست  
 اما هزار حیف که یک دست بی صداست

\*\*\*\*\*

### ابن سعد

ای سرور زمانه و ای شاه بی نظیر  
 دست راست برادر خود از من بگیر

\*\*\*\*\*



**حضرت عباس**

فتاد دست چپم لا اِلهَ اِلَّا اللّٰه  
 حسین ز حال من آگاه نیست یا اللّٰه  
 بلافاصله \*\*\*\*\*

آخر ای قوم جفا جو بدهیدم مهلت  
 حرف من گوش دهید ای سپه بی ملت  
 دست من قطع شد و پای مرا قطع کنید  
 عوض آب شما تیر به چشمم بزنید  
 راضیم بند ز بندم بنمائید جدا  
 نزنید تیر به این مشک که از بهر خدا  
 این امانت ز سکینه بود و از اصغر  
 جگر هر دو کباب است که خاکم بر سر  
 \*\*\*\*\*

**شمر**

چه شد آن دست بلندی که با آواز بلند  
 دعویت بود که من بازوی حیدر دارم  
 \*\*\*\*\*

**شمر حضرت عباس را از بالای اسب می اندازد**

**شمر**

شها بگو که سرت را زتن جدا سازم  
میان سر و تنت طرح دوری اندازم

\*\*\*\*\*

**حضرت عباس**

ایا نتیجه امیدواری احباب  
بیا برادر از پافتاده را دریاب  
دیده را وانکنم تا که به تن جان دارم  
بس خجالت که ز اطفال پریشان دارم

\*\*\*\*\*

**امام سوار بر اسب می شود****امام حسین**

بلی قدر چمن را بلبل شوریده می داند  
غم مرگ برادر را برادر مرده می داند  
ز کوشش های عباس و سکینه گشت معلوم  
که قدر آب را لعل لب پژمرده می داند  
غرقه بخون برادرم پشت پناه لشکر  
بی کس و یار و یاورم آه ز بی برادری

\*\*\*\*\*

**امام حسین سر نعش عباس می رود و بلافاصله می گوید****امام حسین**

دیده بگشا که طبیبِت سر بالین آمد  
 دیده بگشا که حسین با دل غمگین آمد  
 دیده بگشا به بینم ز چه نالش داری  
 ببر مادر پیرت چه سفارش داری  
 دیده بگشا که طفلان همه غوغا دارند  
 بردن آب روان از تو تمنّا دارند  
 وَاَضَیْعَتَنِّ اَبْعَدَكَ یٰ اَبُو الْفَضْلِ

\*\*\*\*\*

### حضرت عباس

دیده را وا نکنم سر و به خون غلطیده  
 تا نگویند حسین داغ برادر دیده

بلافاصله \*\*\*\*\*

مرا به خیمه مبر تا که حالتی دارم  
 چرا که من ز سکینه خجالتی دارم  
 سکینه آب ز من خواست من کباب شدم  
 ز شرم آب به پیش سکینه آب شدم  
 ز من بگو به سکینه بدار معذورم  
 برای آب عمو از خجالتت کورم

\*\*\*\*\*

نوحه حضرت ابوالفضل بر سر نعش ایشان خوانده شود

قسمت وداع اول

امام حسین

ای خواهر حزین من خون جگر بیا  
تا آنکه مطلبی بتو گویم من از وفا

\*\*\*\*\*

### زینب

ایا به ماتم تو جامه سپهر بسیاه  
ز بعد مرگ تو گردیم قرین ناله و آه  
ز بعد مردن تو زندگی چه کار آید  
مرا به سر چه زاعد ای روزگار آید  
بگو تو مطلب خود را به من برادر جان  
الهی آنکه شود جان من تو را قربان

\*\*\*\*\*

### امام حسین

وصیّتی بتو دارم کنون من ای خواهر  
به جان فاطمه کز این وصیّتم مگذر  
رسیده وقت من از ظلم کین شهید شوم  
شهید ظلم ستمگاری یزید شوم  
مباد آنکه خراشی تو صفحه رو را  
مباد آنکه پریشان کنی تو گیسو را  
به خواهران حزینت تو یار و یاور باش  
به دختران من زار همچو مادر باش  
نمای صبر تو ای خواهر وفا دارم  
که من به رفتن میدان کنیه ناچارم

\*\*\*\*\*

**زینب**

به چشم جان برادر کنم اطاعت تو  
 به جای آورم این لحظه من وصیت تو  
 اگر شهید شوی در میانه دشمن  
 بگو چکار کنم در چنین مصیبت من  
 کنی تو امر به صبرم ایا برادر جان  
 به جای آورم این لحظه از دل و از جان

\*\*\*\*\*

**امام حسین**

روم بجانب میدان خدا نگهدارت  
 خدا وجود تور را از بلا نگهدارد

\*\*\*\*\*

**امام حسین**

هَلْ مِنْ ذَا بَّ يَذُبُّ عَنْ حَرَمِ  
 رَسُولِ اللَّهِ آيا کسی هست که دفع دشمن  
 از حرم رسول ... کند  
 آيا کسی بود که کند یاری حسین

آید در این زمین به مددکاری حسین

\*\*\*\*\*

**امام به میدان می رود و علی اصغر در کنار میدان داخل گهواره آماده**

**می شود و صدای گریه از بلند گو پخش شود**

**طلب نمودن علی اصغر**

**شمر**

یا حسین کن نظری

\*\*\*\*\*

**زینب**

خداوندگارا چه سازیم ما  
نظر کن تو بر حالت طفلها  
ببین تو به احوال طفل صغیر  
ز گهواره افکنده خود را به زیر

\*\*\*\*\*

**امام حسین**

چه واقع است که داری فغان و آه و خروش  
از این حزین پریشان دگر تو چشم به پوش  
مگر نه امر بعبرت دهم من ای خواهر  
بسبب چه گشته که ریزی سرشک غم ز بصر

\*\*\*\*\*

**زینب**

ای برادر جان حسین زینب شود قربان تو  
زینب خونین جگر گردد بلاگردان تو  
نالہ هل من معینت چون ز میدان شد بلند  
اصغر از گهواره خود را بر زمین چون گل فکند  
یا ز گرما یا عطش یا دوری باب فکار  
می‌کند افغان چو بلبل در گلستان زار زار

هر چه می‌خواهم دهم تسکین به قلب انورش  
یا کنم اینک تسلّا قلب زار مادرش

\*\*\*\*\*

### امام حسین

بیار غنچه نشکفته مرا زینب  
که بلکه قطره آبی رسانمش بر لب  
بیار غنچه نشکفته مرا پیشم  
که بهر اصغر بی شیر خود به تشویشم

\*\*\*\*\*

### سوار بر اسب یا شتر شود و علی اصغر را زیر عبا پنهان کند

### امام حسین

که ای گروه دغا طفل نازیروم است این  
سرور سینه و نور دو دیده ترم است این  
به طفل بی گنه من دهید جرعه آبی  
که یادگار به جای علی اکبرم است این  
اگر به زعم شما کوفیان گنه کارم  
نکرده هیچ گناهی علی اصغرم است این

\*\*\*\*\*

### شمر

ای حَرْمَلَتِ بْنِ کَاهِلِ دُونِ  
دست آر ز آستین تو بیرون  
از نوک خدنگ بده تو آبش

از تیر و سنان بده جوابش

\*\*\*\*\*

**تیر زیر گلوی علی اصغر بسته شود.**

**امام حسین**

بچه ناقه صالح برت ای داور من  
نیست در رتبه فزون تر ز علی اصغر من  
حکمت کرده تقاضا که به خون غرقه شوی  
پسرانم همه در پیش دو چشم تر من  
این قضا چون به رضای تو بود باد فدا  
سر من پیکر من اکبر من اصغر من

\*\*\*\*\*

**شمر**

امیر ما پسر سعد ای امام حسین  
به روی اهل حریم تو بسته آب زکین

\*\*\*\*\*

**امام حسین**

بیا بستان که برد اصغر بروی دست من خواش  
بیا بستان که جدم ز آب کوثر کرد سیرابش  
بیا بستان که غیر از من نکرده هیچ پیغمبر  
به یک ساعت دو قربانی یکی اکبر یکی اصغر

\*\*\*\*\*



**زینب**

مسلمانان چه دشت کربلا شد  
 که بر اولاد پیغمبر چه‌ها شد  
 جان عمه ز برم از چه جدا گشتی تو  
 همره باب گرامی به کجا رفتی تو  
 دل مجروح من از هجر چرا خستی تو  
 از چه‌ای بلبل من لب ز نوا بستی تو  
 به کجا رفتن و اینک ز کجا آمده‌ای  
 با فغان رفتی و خاموش چرا آمده‌ای  
 چشم بگشا و به بین دیده گریان مرا  
 بشنو از دوری خود ناله و افغان مرا

\*\*\*\*\*

**امام حسین**

بیا خواهر کفن حاضر نما بهر علی اصغر  
 که تا غسلش دهم کفنش کنم ای خواهر مضطر  
 چه آبی نیست من غسلش به خاک کربلا دارم  
 ز مرگ اکبر و اصغر رسد بر چرخ فریادم

\*\*\*\*\*

**کفن آماده شود****زینب**

کفنی برای اصغرِ برم ز راه یاری  
 کنم این کفن به جسمش ز طریق غم گساری

\*\*\*\*\*

## امام حسین

لحدی برای اصغر بکنم بدیده تر  
بده ای خدا تو صبری به من غریب مضطر

\*\*\*\*\*

## سکینه نعش علی اصغر را بر می دارد

### سکینه

توبیاو ای پدر جان و به جسم من کفن کن  
عوض علی تو در گور بدن ضعیف من کن

\*\*\*\*\*

## امام حسین

بگذار ای سکینه تن اصغر صغیرم  
که به خاک بسپرم من ز برایش اشک ریزم

\*\*\*\*\*

### سکینه

تو بیا و ای پدر جان تن من به خاک بسپار  
تن اصغر عزیزم روی خاک قبر مگذار

\*\*\*\*\*

## امام حسین

تو بیا و ای سکینه دل من ز غم میازار  
بگذار دفن سازم تن این صغیر و افکار

\*\*\*\*\*

### زینب

جگرم کباب کردی به غمم شتاب کردی  
 زغم فراق اصغر دل من تو آب کردی

\*\*\*\*\*

**شمر**

ای خدا من در کجا مأوی کنم  
 نعلش اصغر را کجا پیدا کنم  
 چونکه اصغر بر گلویش تیر خورد  
 غنچه لب بر دوش بابش جان سپرد  
 اصغر شیرین زبان را یافتم  
 بلبل باغ جنان را یافتم

**بلافاصله \*\*\*\*\***

یا حسین ابن علی ای پادشاه بحر و بر  
 تا به کی باشی تواند در خیمه گه با چشم تر  
 عرض کردم با تو در اول که بیعت بهتر است  
 جنگ کردن از برایت مایه درد و سر است  
 گوش بر عرضم ندادی آمدی در قتلگاه  
 بی سبب انداختی خود را در مهلکه

\*\*\*\*\*

**شمر**

یا حسین جان گر چه از داغ جوانان قلب تو پر آذر است  
 با تمام این مصیبت باز هم بیعت بهتر است  
 دارم به خدمت تو عرضی به احترام  
 گوش بدار ای پسر سید انام

با همچو لشگر تو چنان می‌کنی نبرد  
 ای شاه کم سیاه بده گوش بر کلام  
 بیعت نمی‌کنی بر امیر جنان یزید  
 فردا یقین بدان اسرا می‌برم به شام  
 ای سبط بوتراب کنم عرض مختصر  
 چون وقت نیست من ندهم ملول این کلام  
 بیعت اگر کنی زبهر تو بهتر است  
 خواهی قبول کن و خواهی نه و سلام

\*\*\*\*\*

### مصرع شمر با ابن سعد

#### ابن سعد

هل من مبارز ای شه بی خویش و اقربا  
 شمر

هل من مبارز ای شه بی خویش و اقربا  
 ابن سعد

هل من مبارز ای گهر معدن و سنی  
 شمر

هل من مبارز ای خلف شیر کردگار  
 ابن سعد

هل من مبارز ای که زروی و زموی تو  
 پیدا شده سوره والیل و الضحی

شمر

هل من مبارز ای که زروی و زموی تو  
ارکان ممکنات وجود است و پایدار

**ابن سعد**

هل من مبارز که به درد غریبت  
گریان تمام عالم و آدم و کل ماسوای

**شمر**

هل من مبارز ای که نماند زبعد تو  
یک تن دگر زیار و انصار و اقربا

**ابن سعد**

هل من مبارز ای که به شمشیر اهل کین  
باید به خویش زنی حال دست و پا

**شمر**

هل من مبارز که در این دشت پرفغان  
امروز نوبت تو بود شیر کردگار

**ابن سعد**

هل من مبارز ای که در این دشت پر بلا  
اطفال تو اسیر برم من زکربلا

**شمر**

هل من مبارز که در این دشت پر فغان  
سیلی زخم بر رخ رخسار کودکان

**شمر و ابن سعد با هم**

هل من مبارز يا حسين  
قتل تو جايز يا حسين

\*\*\*\*\*

### امام حسين

السّلام عليكم يا اهلبيت النبوّ يا زينب  
ام كلثوم يا سكينه و يا رقيّه و يا رباب  
الوداع اى حرم محترم خير و نسا  
مى سپارم همه اطفال شما را به خدا

\*\*\*\*\*

### امام حسين نوحه زينب مضطرم الوداع را مى خواند (دوبار)

زينب مضطرم الوداع الوداع (۲)  
مهربان خواهرم الوداع الوداع (۲)

### زينب

مردن از بهر من بهتر از زندگى  
اى مه انورم الوداع الوداع (ع)

### امام حسين

تا كه من زنده ام آه و زارى مكن (۲)  
خواهر محترم الوداع الوداع (۲)

### زينب

در دم آخرت آمدی در برم  
تا ببینم رخت الوداع الوداع (ع)

### امام حسین

بعد اکبر مرا زندگی مشکل است (۲)  
دیگر ای خواهرم الوداع الوداع (۲)

### زینب

بعد از این زندگی بهرمن مشکل است  
بی علی اکبرم الوداع الوداع (ع)

### امام حسین

زینب ای خواهر محزون تو بیا در برمن  
اندین لحظه تو از مهر بشو یاور من

\*\*\*\*\*

### زینب

برادر جان فدای چشم خون ریز گهربارت  
خبر از مرگ هر دم میدهی بر خواهر زارت  
بگو تو مطلب خود را که من اکنون به جا آرم  
بدان بعد از تو من برگو که رو اندر کجا آرم

\*\*\*\*\*

### کهنه پیراهن حاضر شود

### امام حسین

برو بیار برم کهنه پیرهن خواهر  
که پوشمش به بدن این زمان من مضطر

\*\*\*\*\*

### زینب

تو باید ای گل من جامه از ثمن پوشی  
کجا رواست بتن کهنه پیرهن پوشی  
تو پادشاه حجازی رواست بر تن تو  
مُهلهل یمنی چون شه یمن پوشی

\*\*\*\*\*

### امام حسین

شمر نامی به من امروز جفا خواهد کرد  
سرم از خنجر بی داد جدا خواهد کرد  
از برم جامه نو شمر بیرون آرد  
از برون کردن این جامه حیا خواهد کرد  
این کهن جامه به قدری که تواند خواهر  
دفع گرمای بیابان بلا خواهد کرد

\*\*\*\*\*

### زینب

مرگت آمده‌ای زینب جان بکف مهیا کن  
بی حسین شوی امروز رو به کوه و صحرا کن

\*\*\*\*\*

### امام حسین



جان خواهر کم نما افغان و آه  
می کنند بر ما شماتت این سپاه  
صبر کن ای خواهر افسرده حال  
هست فرمان خدای ذوالجلال

\*\*\*\*\*

### زینب

پیرهن حریری تو بال جبرئیلی تو  
مونس حسینی تو بر تنش مدارا کن  
گفته مادرم زهرا ظهر روز عاشورا  
بی حسین شوی حالا یاد از آن وصایا کن  
در خرابه بنشینی اشک کودکان بینی  
روز خوش نمی بینی حال و فکر فردا کن  
ای وای بزن گلدسته حسرت به تارم  
اسیری رفتنت زینب مبارک  
خودم دانم که فردا من اسیرم  
خدایا مرگ ده تا من بمیرم

\*\*\*\*\*

زینب با حالت دو زانو غش می کند امام بالای سر زینب می روند و  
پیراهن کهنه را برمی دارد و این شعر را می خواند

\*\*\*\*\*

### امام حسین

بسم ... الرحمن الرحیم  
افوضوا امری الی ... ان ... بصیر بالعباد

اَنَا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا  
 كَجَاسْتِ جَدِّكَ بَارِئًا مَحْمُودًا  
 بَبِينَدَ أَنْكَه كَفَنَ پُوشِ شَدِّ حَسِينِ عَلٰی

\*\*\*\*\*

**در این لحظه امام حسین پیراهن کهنه را روی زمین پهن می کند و با  
 شمشیر سوراخ می کند و آن را می پوشد**

خَوَاهِرِ جَانِ شَاهِیْتِ فَقِیْرِی شَدِّ  
 وَقْتِ دَسْتِگِیْرِی شَدِّ  
 مَوْسَمِ اسَیْرِی شَدِّ  
 اِی بَلَا کَشَمِ زِیْنَبِ  
 زِیْنَبِ غَمِ خُورِ یَتِیْمَانِی  
 مَوْنَسِ حَقِیْرَانِی  
 کَرْبَلَا تُو مِی مَانِی  
 بِی بَرَادَرِی زِیْنَبِ

\*\*\*\*\*

**امام در این لحظه بالای سر زینب می نشیند**

بِگِذَارِ سَرِ بَه زَانُوِی بِی کَسِ بَرَادَرِی  
 بَاشَمِ حَسِیْنِ تُو بَنَگَرِ بَرِ بَرَادَرِی

\*\*\*\*\*

**زینب در این لحظه به هوش می آید**

**زینب**

یَا حَسِیْنِ زِیْنَبِ بَمِیْرَدِ تَا نَبِیْنَدِ مَرْدَنْتِ  
 اِی بَرَادَرِ جَانِ مَبَارِکِ بَاشَدِ اِیْنِ پِیْرَاهَنْتِ

یا که این پیراهن خود از تن خود دور کن  
یا بیا این زینبت را زنده اندر گور کن

\*\*\*\*\*

## مصرع های امام حسین با زینب

### امام حسین

وصیت از سه ره دارم شنو یک یک ایا زینب

### زینب

بیان فر ما وصیت را چه هست مطلب چه هست مقصد

### امام حسین

که اول چون ز زین اتم مننه از خیمه پا بیرون

### زینب

به چشم ای زینت جنت دوم مطلب به من برگو

### امام حسین

زینبم دوم چون من شوم کشته مکن صورت مکن گیسو

### زینب

به چشم این هم شنیدم از سوم برگو به این محزون

### امام حسین

(زینبم داغ برادر مشکل است)

سوم ناله مکن چندان که دشمن با خبر گردد

### زینب

چه سازم ای برادر جان ز زینب بخت برگردد  
**امام حسین**

نسازم مذمت از گریه (گریه کن زینب) ولی آهسته آهسته  
**زینب**

حسین داغ برادر سخت است - داغ جوانان سخت است  
 نشاید گریه آهسته ولی با ناله پیوسته  
**امام حسین**

(تو حق داری خواهر) ولیکن طعنه دشمن بود مشـکل  
**زینب**

پس ای سرور تو زینب را نما زنده میان گل  
**امام حسین**

صبوری پیشه کن جان (خدا صابران را دوست می دارد)  
 تو ای نور دو چشمـانـم  
**زینب**

به چشم صبر می کنم حسین این هم شد ندیدم  
 لیک عرضی از تو خواهانـم  
**امام حسین**

بفرما مطلب خود ای گلستان حیا را گل

**زینب**

آقا زمر گت چون خبر یا بم بگو ای خوش نوا بلبل  
**امام حسین**

خواهر سه آثار است بر قتلش نو یک یا زینب  
**زینب**

بگو اول چه باشد ای عزیز جان پیغمبر  
**امام حسین**

که اول چون ز زین افتم زمین در لرزه می آید  
**زینب**

ای وای دوم را گو برادر جان غم در غم بیافزاید  
**امام حسین**

دوم خورشید گردد تار و خون از آسمان بارد  
**زینب**

یا رسول!... سوم را گو برادر جان رسول انس و جان آید  
**امام حسین**

سوم آید به خیمه ذوالجناح کاکل پر خون  
**زینب**

امان از درد بی برادری  
 رسد گر مرگ بر زینب مرا شاید بود نیکو

**امام حسین**

ز جای برخیز ای زینب نه وقت گریه و زاری است  
حسین تندها و بی یاور تو را وقت مدد کاری است

\*\*\*\*\*

**پیراهن کهنه را به امام حسین می دهند و امام روی صندلی بنشیند**  
**در این لحظه کودکان جلوی ذوالجناح را بگیرند و روی زمین بخوابند**  
**امام حسین**

بیا زینب عزیزانم به بر گیر  
چو قمری کودکانم را زیر پر گیر

\*\*\*\*\*

**سکینه**

شوم فدای تو ای قبلگاه من بابا  
سرور سینه و پست و پناه من بابا  
میان به عزم سفر بسته‌ای ذبیح ا...  
بهر کجا که روانی مرا ببر همراه  
چه از ستیزه اعدای دون اسیرم من  
دعا نمای پدر جان دگر بمیرم من

\*\*\*\*\*

**امام حسین**

سکینه سوخت کلام تو استخوانم را  
غم تو داد به باد فنا روانم را  
هنوز با قدرت آرمیده‌ای بابا  
هنوز درد یتیمی ندیده‌ای بابا  
به قتلگاه ندیدی هنوز پیکر من

به نوک نیزه اعدا ندیده‌ای سر من  
نرفته‌ای تو بشام و ندیده‌ای از عدوان  
زند یزید مرا چوب بر لب و دندان

\*\*\*\*\*

### مصرع سکینه با امام حسین

سکینه

پس ای پدر بنمایم روانه سوی وطن

امام حسین

تو را وطن بود اینجا که می‌رود سر من

سکینه

مرا ببر به مدینه بده ز غصه نجات

امام حسین

مدینه رفتن تو در حیات من هیاهات

سکینه

اگر حیات نباشد تو را نخواهم جان

امام حسین

صبور باش مزن آتشم به خرمن من

سکینه

چگونه روز غم خویش را نمایم شب

امام حسین

بقصه تو تسلی است عمه ات زینب  
سکینه

تو را بیاد بیارم چه سازم ای بابا  
امام حسین

پدر تو راست ز بعدم جناب زین العبا  
سکینه

مرو مرو به فدایت به جانب میدان  
امام حسین

برو به جانب خیمه مکن تو آه و فغان  
\*\*\*\*\*

سکینه  
به هر کجا که روی ای پناه خلق ...  
مرا برای رضای خدا ببر همراه  
مرا ببر که چو آفتی به خاک از مرکب  
خبر بیاورم از بهر عمه ام زینب  
که زود آید و نعشت ز خاک بردارد  
به یک کناره برد او به خاک بسپارد  
\*\*\*\*\*

امام حسین  
اگر تو را ببرم با خودم سکینه من  
دمی که شمر نشیند به روی سینه من  
در آن زمان تو چکار خواهی کرد



به غیر ناله و افغان چکار خواهی کرد

\*\*\*\*\*

### سکینه

چنان نیم که ز تو دفع شر ناس کنم  
توانم آنکه به شمر آیم التماس کنم  
که شمر چو نکه به طفل سه ساله ات نگرد  
کند ترحم و از کشتن تو درگذرد  
به داد من نرسد گر زکوفیان احدی  
توان آنکه بگویم یا علی مددی

\*\*\*\*\*

### امام حسین

کجا روم چه کنم ای خدای عالمیان  
ز گفتگوی سکینه فتد شراره به جان  
بیا تو زینب محزون زار خسته جگر  
ببر به خیمه تو اکنون سکینه را خواهر

\*\*\*\*\*

### زینب

بکن وصیت او را به من که تابم نیست  
اگر که خواهش آبی کند جوابم چیست  
اگر سکینه پدر خواهد از من محزون  
جواب او چه بگویم من ای شه دوران

\*\*\*\*\*

## شروع نقش رقیه

### رقیه

پدر آهسته‌تر رو سوی میدان  
ببین روی رقیه با چشم گریان

\*\*\*\*\*

### امام حسین

چرا ای دخترم با چشم پر خون  
ز خیمه آمدی این لحظه بیرون

\*\*\*\*\*

### رقیه

زتو یک مطلبی دارم روا کن  
از آن دم رو به سوی اشقیا کن

\*\*\*\*\*

### امام حسین

بیان کن دختر من آرزویت  
چه باشد باشه دین گفتگویت

\*\*\*\*\*

### رقیه

بود این آرزویم با دل ریش  
که بگذاری مرا بر زانوی خویش

\*\*\*\*\*

**امام حسین**

بیا بنشین به دامانم رقیه  
 عزیز مو پریشانم رقیه  
 بیا زینب بیا خواهر ز احسان  
 بگیر این طفلک محزون و نالان

\*\*\*\*\*

**بلافاصله مصرع امام با زینب****امام حسین**

بیا زینب به نزد زار و محزون  
 زینب  
 چه فرمایش برادر با من اکنون

**امام حسین**

بیا در گوشه‌ای تنها نشینیم  
 زینب  
 بیا یک لحظه روی هم ببینیم

**امام حسین**

وصیت از یتیمان است و زینب  
 زینب  
 بیان فرما برادر چیست مطلب

**امام حسین**

به جان من به ایشان یاوری کن  
زینب

بیا این غصه را از دل بری کن  
امام حسین

سکینه را سپردم بر تو خواهر  
زینب

عزیزش دارم ای جان برادر  
امام حسین

دل من سوزد که بعد از من اسیر است  
زینب

بلی بعد از تو خوار و دستگیر است  
امام حسین

به جان من تو او را دوست می‌دار  
زینب

رضا کی می‌شوم پایش خلد خار  
امام حسین

نگوید کس که بابش مرده باشد  
زینب

نه بگذارم که دل افسرده باشد  
امام حسین

مبادا کس زند سیلی به رویش  
زینب

به جان تو که می‌دارم نکویش  
امام حسین

یکی دیگر وصیت با تو دارم  
زینب

بگو مطلب فدایت جان زارم  
امام حسین

به صغرا بر پیامم ای مشوش  
زینب

الهی طفل احدی در غیر موسم یتیم نشود

امام حسین

بگو گردید خلف وعده فرزند  
زینب

زدی بر خرمن صبر من آتش  
امام حسین

بگو اکبر شهید اشقیا شد  
زینب

بود او در فراق باب در بند  
امام حسین

دگر چون آب نوشی کن ز ما یاد  
زینب

بلی گویم بلا روی بلا شد

\*\*\*\*\*

### امام حسین

بیار زینب غمدیده ذوالجناح مرا  
برای حرب مهیا نما سلاح مرا  
غریب مانده ام و بی کسم در این میدان  
علاج نیست ایا اهل بیت سرگردان  
کسی نمانده بگیرد رکاب این مضطر  
ز جور ظلم لعینان شوم بداختر

\*\*\*\*\*

### زینب

غم مخور زینب غمدیده رکابت گیرد  
شهربانوی دو بازوی جنابت گیرد  
فاطمه آید و با دیده گریان آقا  
با سکینه جلو اسب عقابت گیرد

\*\*\*\*\*

### امام حسین سوار اسب می شود

### امام حسین

چه شد عباس تا گیرد رکابم  
کجا شد اکبر عالی جنابم  
عنان مرکبم قاسم بگیرد

چه شد آن طفل‌های دل کبابم  
 کجا رفتند آن رعنا جوانان  
 کجا رفتند آن شیرین زبانان  
 جوان نوحطم اکبر کجا رفت  
 صغیر نورسم اصغر کجا رفت  
 رفتند جوانان عزیزان همه یکسر  
 جای همه خالی است خصوصاً علی اکبر

\*\*\*\*\*

### زینب

حسین برادر زینب معین و یار ندارد  
 غمش برون ز شمار است غم گسار ندارد  
 ز بیکسی کند افغان چرا فغان ننماید  
 علی اکبر عباس نامدار ندارد  
 روم رکاب حسین یا که بازویش گیرم  
 کنون بوقت سواری رکاب دار ندارد  
 حسین پیش برو صف کشیم از عقب تو  
 که ابن سعد نگوید حسین سپاه ندارد

\*\*\*\*\*

### امام حسین

وداع می‌کنم ای اهل‌بیت عصمت من  
 رسیده است کنون نوبت شهادت من

وصیتی است مرا با تو ای ستم دیده  
 بگوش جان بشنو خواهر الم دیده  
 به شام و کوفه نگهداری یتیمان کن  
 به هر بلیه پرستاری اسیران کن  
 علی الخصوص به طفلم سکینه مضطر  
 چرا که هست پریشان ز داغ هجر پدر  
 روم به جانب میدان خدانگهدارت  
 خدا وجود شما از بلا نگهدارد

\*\*\*\*\*

### زینب

مرو مرو که فلک کارش اعتبار ندارد  
 مرو که بی گل رویت دلم قرار ندارد  
 عزیز من چه مقابل شدی به لشکر دشمن  
 بگو که خواهر من تاب انتظار ندارد

\*\*\*\*\*

### امام حسین

بس است ناله ایا اهل بیت پیغمبر  
 که من روم بر زین العبا بدیده تر

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*نقش امام سجاد شروع می شود\*\*\*\*\*



**نقش امام سجاد شروع می‌شود، امام سجاد در رختخواب است**

**مصرع امام سجاد با امام حسین**

**امام سجاد**

سلامم بر تو ای باب وفادار

**امام حسین**

علیک ای بعد من بر بی کسان یار

**امام سجاد**

چه حالست این به من برگو پدر جان

**امام حسین**

چگویم بهر تو قلبم شده خون

**امام سجاد**

بگو از حال عباس عمویم

**امام حسین**

عمویت کشته شد در پیش رویم

**امام سجاد**

چرا اکبر نکرد از من عیادت

**امام حسین**

عیادت افتاد اندر قیامت

**امام سجاد**

صریحاً گو تو حال اکبر زار

**امام حسین**

نگویم چون که هستی زار و بیمار  
**امام سجاد**

بگو با من علی اکبر چه ها شد  
**امام حسین**

علی اکبر قتیل اشقیا شد  
**بلافاصله \*\*\*\*\***

**در حال خوابیده این قسمت را می خواند**

**امام سجاد**

ای خدایا چون کنم من زین الم  
 نیست و دیگر طاقتم زین رنج و غم  
 عمه جان زینب بفریادم برس  
 جز تو من دیگر ندارم دادرس  
 عمه جان آور تو شمشیر و عصا  
 تا کنم جانرا به باب خود فدا

\*\*\*\*\*

**زینب**

ای تو بیمار علیل بی نوا  
 بهر چه خواهی تو شمشیر و عصا  
 می کنم این لحظه حاضر در برت  
 جان من بادا بقربان سرت

\*\*\*\*\*

**امام سجاد در این حال بلند می شود و به حالت نیم خیز و تکیه بر عصا و شمشیر می دهد و به سمت میدان می رود و خود را با دو زانو بلند می کند و روی زمین می اندازد و این اشعار را گفتگو می کند:**

### **امام سجاد**

بین که بابایم چنین بی یاور است  
دستگیر آن گروه کافر است  
میروم سازم فدا این جسم زار  
بین که بابایم ندارد هیچ و یار  
چون نباشد قوت رفتن مرا  
میدهم من تکیه آندم بر عصا  
میکنم من جنگ با شمشیر و تیر  
میزنم بر جان اعدا رستخیز

\*\*\*\*\*

### **عمامه ای جهت انتقال حکم امامت به امام سجاد آماده باشد**

### **امام حسین**

مرو به جانب میدان ایا علیل فکار  
که یادگار تو هستی ز من ایا بیمار  
بیا که علم امامت به توکنم تعلیم  
بیا که ارث ولایت به تو کنم تسلیم  
بیا که تاج لعمرك گذارمت بر سر  
دگر عبای رسول خدای را نما به بر  
بیا که خاتم جدت کنم در انگشتت  
ز بعد من تو هدایت نمای بر امت

ز بعد من تو به ارباب دین امامت کن  
موالیان مرا سوی حق دلالت کن  
روم به جانب میدان خدا نگهدارت  
خدا وجود شما از بلا نگره دارد

\*\*\*\*\*

### امام سوار بر اسب می شود و به میدان می رود

#### زینب

مهلاً مهلاً یابن الزهرا — یابن مرتضی  
ای برادر اندکی آهسته تر  
تا ببینم من تو را بار دگر  
ای شه بی یار و یاور الفراق  
الفراق ای زار و مضطر الفراق

\*\*\*\*\*

### امام حسین

خطاب من بتو ای زینب حمیده سیر  
چرا ز خیمه برون آمدی بدیده تر

\*\*\*\*\*

#### زینب

وصیتی بنموده است مادرم زهرا  
که چون کنی تو وداع حرم به کربلا  
در آن دمی که نشیند حسین بر مرکب  
ببوس از عوض من گلوی او زینب  
چرا که تشنه حسینم شهید خواهد شد

شهید ظلم سپاه یزید خواهد شد

\*\*\*\*\*

### امام حسین

عمل نمای به حکم وصیت مادر  
بجای مادر ایا زینب الم پرور

\*\*\*\*\*

### زینب

برادر جان بقربان گلویت  
که روح آید بجان من ز بویت  
الهی می‌شدم من پیش مرگت  
که جان را می‌کنی قربان امت

\*\*\*\*\*

### امام حسین

زینب حزین من خواهر خداحافظ  
ای بغم قرین من خواهر خداحافظ  
موسم جدائی شد وعده جدائی شد  
روز بی نوائی شد خواهر خداحافظ

\*\*\*\*\*

### زینب

ای برادر زارم من بغم گرفتارم  
بین تو حالت زارم چون دل از تو بردارم

\*\*\*\*\*

### امام حسین

غرض که جمله اهل حرم خداحافظ  
بلاکشان دیار بلا خداحافظ

\*\*\*\*\*

## امام حسین سوار اسب می شود

### زینب

هست محنتم بسیار بعد تو ایا افکار  
میروم سر بازار ای حسین خدا همراه  
گر چه یار طفلانی یار غم نصیبانی  
غم خور یتیمانی ای حسین خدا همراه

### بلافاصله \*\*\*\*\*

ای حسین رفتی و دست از زینبت برداشتی  
همچو زینب خواهری را در بلا بگذاشتی  
میچشی جام شهادت یک زمان آهسته رو  
میکنی تعجیل آخر خواهری هم داشتی

\*\*\*\*\*

## امام حسین

راست می گویی همین یک خواهری را داشتم  
همچو زینب خواهری را در بلا بگذاشتم  
نیست چاره غیر رفتن در میان دشمنان  
جان خواهر من تو را با طفلها بگذاشتم

### بلافاصله \*\*\*\*\*

انیس بی کسان داد از جدائی  
برادر داد و بی داد از جدائی  
\*\*\*\*\*

جدائی میکند بنیان ما را  
خدا بستاند از وی داد ما را  
**امام حسین**

غرض که جمله اهل حرم خداحافظ  
بلاکشان دیار بلا خداحافظ  
\*\*\*\*\*

**سوار بر اسب می شود و سکینه می رود و سر به سم جلو اسب می گذارد  
و پاهای اسب را می گیرد**

### **امام حسین**

سکینه ام جگرم را کباب کرد خدا  
چرا ز خیمه برون آمدی تو ای بابا  
\*\*\*\*\*

### **سکینه**

با با جان پیاده شو شـها از اسب بـدگر بر رخ ما هم  
\*\*\*\*\*

### **امام حسین**

پیاده گشتم ای بابا تو را گریان نمی خواهم  
سکینه ام جگرم را کباب کرد

چرا زخیمه برون آمدی تو ای بابا

\*\*\*\*\*

### سکینه

بابا بیا با هم بریم از اینجا بوی خون میاد  
خبردارم که غیر غم کسی سراغم نمیاد  
با این همه لشکر واسه چی حلقه زدند به دور ما  
شمشیرا و نیزه ها رو به ما نشون میدن چرا؟  
عمه چرا به کربلا اینهمه لشکر آمده  
برای کشتن حسین شمر ستمگر آمده  
ببین که دخترت میگه بابا بریم تا مدینه  
سکینه طاقت نداره سرت رو رو نی ببینه

### سکینه

ای باب حزین بی قرینه  
خواهش ز تو می‌کند سکینه  
آن دست که بر سر یتیمان  
هر لحظه کشیده‌ای پدر جان  
یکدم بکشی تو بر سر من  
ای خاک سیاه بر سر من

\*\*\*\*\*

### امام حسین

بیا نشین بکنارم دمی نمای قرار  
ز گفتگوی تو در قلب من گرفته شرار  
که دست خویش کشم این زمان بصورت تو



ز خاطر م نرود ای پدر محبت تو  
 به تسکین دلم یاران بجوئید  
 دعائی می کنم آمین بگوئید  
 الهی طفل بی بابا نباشد  
 یتیم زار در دنیا نباشد

\*\*\*\*\*

**سکینه با رقیه جلوی امام را می گیرند و این اشعار را می خوانند**  
**زعفر جن برای ورود به میدان آماده باشد**

**سکینه و رقیه**

خواهر جان رقیه: بیا بریم یک بار دیگر صورت بابا را ببینیم

بابا جان حسین نمی خواهم مانع رفتنت بشم

بابا جان حسین صبر کن یکبار دیگر صورتت را ببوسیم

بابا جان حسین نرو میدان

اینا می کشتند

اینا رحم ندارند

بابا جان حسین ما دلماں تنگ میشه برات

بابا جان حسین اینا رحم ندارند اینا عمو عباسمون رو کشتند

اینا علی اکبرمون را کشتند

اینا علی اصغرمان را کشتند

اینا رحم ندارند

اینا تو رو هم می کشتند

بابا جان حسین، تشنمه

امان از تشنگی

بابا جان آب می خوام

\*\*\*\*\*

**امام به سمت فرات می رود تا برای آنها آب بیاورد دوباره سکینه و رقیه می ورنند جلوی امام را می گیرند و شروع به خواندن می کنند**  
نه - نه

با بانرو اینا می کشت  
ما یتیم می شیم  
ما دیگه آب نمی خوایم نرو میدان اینا رحم ندارند  
**و روی زمین می افتند**

\*\*\*\*\*

**امام حسین سکینه و رقیه را در بغل می گیرد و آنها را به خیمه بر می گرداند**  
**اسب آماده باشد که امام سوار بر اسب شود**

**امام حسین**

هل من ناصر یـنصـرونـی  
و هل من معین یـعینـنی  
آیا کسی بود که کند یاری حسین  
آید در این زمین به مددکاری حسین  
\*\*\*\*\*

**ورود زعفر جن**

لشکر جنی همه با شوق و ناز  
گر که بخواهید و شوی سرفراز  
رو بکنید در بر شاه حجاز  
جمله بگوئید و به فخر و نیاز

**ما همگی بهر تو یار آمدیم**  
**سر به کف از بهر نصار آمدیم**  
 با همه شوق و شعف جنیان  
 آمده از بئر الم این زمان  
 تا که کنم در ره تو ارمغان  
 جان و تن خویش و شود امتحان  
**ما همگی بهر تو یار آمدیم**  
**سر به کف از بهر نصار آمدیم**  
 ای شه دین زاده حیدر سلام  
 برتو ایا سبط پیمبر سلام  
 در صف این فرقه کافر سلام  
 مانده چنین بی کس و یاور سلام  
**ما همگی بهر تو یار آمدیم**  
**سر به کف از بهر نصار آمدیم**

\*\*\*\*\*

### امام حسین

ای تو محب من مضطر علیک  
 بر تو شفیع صف محشر علیک  
 چون که تویی شیعه ی حیدر علیک  
 نام و نصب کن تومقرر علیک  
 گریه نما بر من و بر حال من  
 رو به وطن باش عزادار من

\*\*\*\*\*

### زعفر

ای شه دین سرور کون و مکان  
 زعفر جنم من محزون بدان  
 آمدم از بئر الم این زمان  
 تا که کنم جان به رخت ارمغان  
**ما همگی بهر تو یار آمدیم**  
**سر به کف از بهر نصار آمدیم**

\*\*\*\*\*

### امام حسین

رحمت حق بر تو جوان مرحبا  
 باد به تو خیل جهان مرحبا  
 خیل ملک گریه کنان مرحبا  
 از غم سلطان جهان مرحبا  
 گریه نما بر من و برحال من  
 رو به وطن باش عزادار من

\*\*\*\*\*

### زعفر

ای شه لب تشنه محزون و زار  
 بهر چه باشی تو چنین بی قرار  
 ده تو به ما اذن ایا شهریار  
 تا که برآرم زایشان دمار  
**ما همگی بهر تو یار آمدیم**  
**سر به کف از بهر نصار آمدیم**

\*\*\*\*\*

### امام حسین

نیست اجازه زمن ای با وفا  
 بهر شما در صف قوم دغا  
 جنگ کنید با سپه اشقیا  
 نیست به من یار به دشت بلا  
 گریه نما بر من و بر حال من  
 رو به وطن باش عزادار من

\*\*\*\*\*

### زعفر

وای و دو صد وای از این ماجرا  
 بی کس و لب تشنه شه کربلا  
 مانده غریب از ستم اشقیا  
 اذن جهادم ندهد ای خدا  
**ما همگی بهر تو یار آمدیم**  
**سر به کف از بهر نصار آمدیم**

\*\*\*\*\*

### امام حسین

در کهنه دیری دنیای فانی  
 هرگز نماند کس جاودانی  
 من زنده باشم در سن پیری  
 اکبر بمیرد در نوجوانی  
 زعفر تو برگرد در منزل خود

کن گریه بر من تا می توانی

\*\*\*\*\*

در این لحظه جنیان مرتب بازوی امام حسین را می بوسند و از صحنه خارج می شوند.

امام حسین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 أَنَا بْنُ عَلِيٍّ نِ الْخَيْرِ مِنْ آلِ هَاشِمٍ  
 وَ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ أَكْرَمَ مِنْ مَضَى  
 وَ نَحْنُ سِرَاجُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ نَظْهَرُ  
 وَ فَاطِمَةٌ أُمْنِيَّةٌ طَهْرٍ أَحْمَدُ  
 وَ عَمِّي يُدْعَى ذَوَالْجِنِّ أَحِينَ جَعْفَرُ  
 أَلَمْوْتُ أُولَى مِنْ رَكُوبِ الْعَارِي  
 وَأَلْعَارِ أُولَى مِنْ دُخُولِ النَّارِ  
 أَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ أَلَيْتُ آلَا أَلْسَنِي  
 أَحْمَى عِيَالٍ أَبِي أَمْضَى عَلَى دِينِ نَبِي  
 بلافاصله \*\*\*\*\*

نی محزون نواخته شود چند لحظه

من حسینم من حسینم من حسین  
 من حسینم جد من پیغمبر است  
 مادرم زهرا عمویم جعفر است  
 قاتل الکفار پور حیدرم  
 مظهر ذات خدای داووم  
 ذوالفقارم ذوالفقار مرتضی است

قهر من با کافران قهر خداست  
 نه چون خواران شوم تسلیم هر ننگ  
 نه همچون بندگان بگریزم از جنگ  
 سرافرازانه پوشم جامه سرخ  
 کشم بر خط باطل خامه سرخ  
 فشارم پای و جان بازم به مردی  
 که به گلگون رخی از روی زردی  
 أَلْ أَيْنَ الدَّعَى يَا بُنَ الدَّعَى  
 قَدْ رَكَزَ بَيْنَ السَّنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَةِ  
 وَالذَّلَةِ هَيْهَاتُ مِنَّا الذَّلَةُ  
 هَيْهَاتُ مِنَّا الذَّلَةُ جنگ می‌کند

\*\*\*\*\*

**امام جنگ می‌کند و به فرات می‌رود تا آب بخورد که از بلندگو صدا  
 پخش می‌شود و امام را از خوردن آب منع می‌کند (ای حسین، تو در  
 حال نوشیدن آبی و حال آنکه لشکر به خیام حرمت حمله کرده است)  
 امام از فرات بر می‌گردد و در حال جنگ کردن از اسب به زمین  
 می‌افتد**

### امام حسین

طاقت و تاب و توان رفته گر از اعضايم  
 بر سر راه شما بر سر زانو آيم  
 بس جراحت به تن از خنجر کاری دارم  
 نه به دل تاب و نه طاقت به سواری دارم

غم جان دادن عباس جوان پیرم کرد  
 کشتن اکبر ناکام زمین گیرم کرد  
 ای ستمگر سپه کوفه و ای لشکر شام  
 حال کز جور شما زندگیم گشت تمام  
 با شما فرقه فارغ ز خدا و ز رسول  
 التماسیست مرا گر بنمائید قبول  
 گر بگویم سخن از آب جوابم ندهید  
 گر بمیرم ز عطش جرعه آبم ندهید  
 لیک تا نرم تنم از سم مرکب نکنید  
 از جفا روی به سوی خیمه زینب نکنید

\*\*\*\*\*

**عبدالله از خواب بیدار می شود و از روی صندلی به اطراف نگاه می کند و می گوید:**

**عبدالله**

عمه جان زینب: عمویم به کجا رفته

\*\*\*\*\*

**زینب**

جان عمه عمویت به سفر رفته

\*\*\*\*\*

**عبدالله**

یا رب چه بینم در دور دوران  
 حاصل چه آید از جور عدوان  
 یا رب فتاده لرزش در افلاک



گویا عمویم افتاده در خاک  
باید روم من بینم چگونه  
افتاده بر خاک آن پیکر پاک

\*\*\*\*\*

### امام حسین

ای خواهر من ای زینب زار  
عبداله آمد او را نگه دار

\*\*\*\*\*

### زینب

ای جان عمه قربان نامت  
قربان نام و سوز کلامت

\*\*\*\*\*

### عبدالله

عمه نظر کن از جور عدوان  
گردیده محشر در این بیابان  
عمه رها کن باشد عمویم  
تنها و بی کس در این بیابان

\*\*\*\*\*

### امام حسین

ترسم که گردد او کشته از کین  
ای جان خواهر او را نگهدار

### زینب

برگرد و عمه از جنگ عدوان  
منماید و عمه رو در بیابان  
طفل یتیمی ای غم رسیده  
دشمن ندارد رحمی بدوران

\*\*\*\*\*

### عبدالله

بردار و عمه دست از من زار  
بنگر عمویم در جنگ اشرار  
عمه رها کن باید روم من  
باشد عمویم در جنگ دشمن

\*\*\*\*\*

### زینب

ای بارالها طفل حسن را  
می‌باش و حافظ از جنگ عدوان

\*\*\*\*\*

### عبدالله خود را در بغل امام حسین می‌اندازد

### عبدالله

اَلسَّلام ای گل گلزار گلستان مبین  
ای عمو جان به فدای تو من زار غمین

\*\*\*\*\*

### امام حسین

ای عمو جان ز چه این دشت بلا آمده‌ای  
تیر می‌بارد ازین قوم چرا آمده‌ای

\*\*\*\*\*

**عبدالله**

آمدم تا که به دامن تو بی سر گردم  
گشته گردم به فدای علی اکبر گردم  
جان عمو به حرم جای شما خالی بود  
عابدین بی کس و بی بستر و بی بالین بود

\*\*\*\*\*

**امام حسین**

ای عمو جان تو چرا آمدی از خیمه برون  
کن نظاره تو به این دشت چرا آمده‌ای

\*\*\*\*\*

**عبدالله**

این بدان جان عمو من به فدا آمده‌ام  
به ملاقات تو از پرده سرا آمده‌ام

\*\*\*\*\*

**امام حسین**

بهر من کشتن عباس و هم اکبر کافی است  
بلکه اینجا تو عمو جان به وداع آمده‌ای

\*\*\*\*\*

**عبدالله**

آمدم جان عمو جام شهادت نوشم  
 خدمتت جان عمو از دل و از جان کوشم  
 این بدان جان عمو تا جان ندهم من نروم  
 هرگز از نزد تو ای خسرو خوبان نروم  
 اکبر و قاسم همه رفتند عمو  
 گنهم چیست که من از پی ایشان نروم

\*\*\*\*\*

**امام حسین**

بالله از زخم سنان قوت بازویم نیست  
 گر چهای جان عمو تو به منا آمده‌ای

\*\*\*\*\*

**شمر**

برگو ز نامت ای طفل مه‌جور  
 من می‌نمایم سر از تنت دور

\*\*\*\*\*

**شمر عبدالله را می‌گیرد و دور میدان می‌چرخاند و لبای سهایش را بر**

**تنش پاره می‌کند**

**عبدالله**

بتو ای شمر ستمگر که بگردی آگاه  
 من یتیم حسنم اسم من هست عبدالله  
 عمویم هست حسین کز دل و جان می‌گوید

ذکر لا حول ولا قوه الا بالله

\*\*\*\*\*

**شمر**

خدا به داد غریبان کربلا برسد  
خدا به داد یتیمان نینوا برسد  
یا حسین خوب نگه کن که بسوزد جگرت

\*\*\*\*\*

**عبدالله**

یا بن الخبیثه در پیش رویم خواهی ببری سر از عمویم

**عبدالله**

یتیمی داد و بیداد از یتیمی  
یتیمی آه و فریاد از یتیمی  
الهی طفل بی بابا نباشد  
اگر باشد در این دنیا نباشد  
یابن الخبیثه در پیش رویم  
خواهی ببری سر از عمویم

\*\*\*\*\*

**ذوالجناح با یک نفر در حال چاوشی به میدان می آید**

**ذوالجناح**

ای عزیزان فرس شاه شهیدان آمد...

\*\*\*\*\*

**زینب**

وامحمد، وامحمد، واعلیا، واعلیا  
 خاک به سرم - کشته شده برادرم  
 الهی نشنود کس از کسی مرگ مسافر را  
 نبیند آنکه ناگه اسب بی صاحب ز راه آید  
 الهی چشم احدی در راه مسافرش نماند

### سکینه

عممه جان زینب  
 می شنوی شیعه اسب پدر  
 آمده بابا به یقین از سفر  
 خیز که تا جانب میدان رویم  
 دیدن بابا شتابان رویم

\*\*\*\*\*

### بلافاصله سکینه

ای ذوالجناح بی پدر من بکجا آمده ای  
 آمدنت خبر چنان می دهد  
 یتیمی مرا نشان می دهد  
 عممه جان زینب  
 بعد از پدر بزرگوارم  
 من تاب فراق را ندارم

\*\*\*\*\*

### زینب

سکینه جان عمه به قربان تو  
 من چه کنم در غم و افغان تو  
 خدا به فریاد دل ما رسد  
 چه ظلمها به ما زاعدا رسد  
 صبر نما سکینه مضطرم  
 که این بود مشیت داورم

\*\*\*\*\*

**زینب بالای تل زینبیه می رود و به اطراف نگاه می کند و شروع به خواندن می کند**

\*\*\*\*\*

**سکینه با ذوالجناح گفتگو می کند**

ای ذوالجناح بی پدر من به کجا آمده ای  
 بدون صاحب تو چرا آمده ای  
 آمدنت خبر چنان می دهد  
 یتیمی مرا نشان می دهد  
 ذوالجناح! پسر فاطمه کو  
 تراز آن کشته مظلوم بگو  
 ذوالجناح! به کجا آمده ای  
 زچه تنها بر ما آمده ای  
 ذوالجناح! تو به خون آغشتی  
 بی حسین ابن علی برگشتی  
 ذوالجناح! چه خبر آوردی  
 زچه تنها به حرم برگردی

ذوالجناحا پسر فاطمه کو  
 تو از آن کشته مظلوم بگو  
 ذوالجناحا چه سخن بر لب داشت  
 چه پیامی بسوی زینب داشت  
 ذوالجنا چو شد آندم بی تاب  
 آخرین لحظه آخرین لحظه  
 نمی گفتا آب

\*\*\*\*\*

### زینب

برادرم ز سفر می‌رسد به عزّت و ناز  
 برای خاطر زینب کنید پا انداز  
 برادرم ز سفر می‌رسد بجاه و جلال  
 کنید بهر خدا ای گروه استقبال  
 صف سلام ببندید جملگی یکسر  
 حسین برادر زینب رسیده است ز سفر  
 خطاب من بتو ای ذوالجناح بی راکب  
 بگو کجاست مرا سرور و تو را صاحب  
 شهی که خاک رهش بود زیب عرش برین  
 کدام گوشه میدان فکندیش بزمین  
 کسی گرفت ز خاک بلا سرش یا نه  
 رساند قطره آبی به حنجرش یا نه

\*\*\*\*\*بلافاصله\*\*\*\*\*



أَمَّا فِي أَمَّا فَيْكُم مُّسْلِم  
 آرزو منندان تَل زینبیه  
 مگر میان شما یک نفر مسلمان نیست  
 خداشناس مگر اندر این بیابان نیست

\*\*\*\*\*

### زینب خطاب به ابن سعد می گوید

#### زینب

خطابم بشنو ای بن سعد کافر  
 نکردی شرم از روی پیمبر  
 تو اندر زیر چتر زر نشستی  
 حسین را بر جگر خنجر نشستی  
 تو دل شادی و خرم ای بداختر  
 حسین جان می دهد از مرگ اکبر  
 قدح در پیش روی تو پر از آب  
 حسین از تشنگی گردیده بی تاب

\*\*\*\*\*

#### ابن سعد

برو به یک طرف ای زینب و مکن افغان  
 که میکشم تن پاکت به خاک و خون غلطان

\*\*\*\*\*

#### زینب

ای شمر وفا و غیرتت کو  
 آخر عربی حمیتت کو

برگو به سواره و پیاده  
 یکسر بروند به یک کناره  
 تا من بروم در آخر کار  
 بالین سرش به چشم خونبار  
 بندم ز وفا دو چشمه‌هایش  
 بر قبله کشم دو دست و پایش  
 کین غم زده مادری ندارد  
 فرزندی و برادری ندارد

\*\*\*\*\*

### شمر

گر من او را نکشم زخم فراوان کشدش  
 نیزه و تیر و سنان ناوک پیران کشدش

\*\*\*\*\*

### زینب

ای داد ز دین و ملت تو  
 فریاد از این حمیت تو  
 این کیست که تن بمرگ داده  
 در لجه خون تنش فتاده  
 این شاخه ارغوان حسین است  
 این غم‌زده فخر عالمین است

\*\*\*\*\*

### شمر

ای دختر پادشاه بطحا  
رو یک طرف و نما تو غوغا

\*\*\*\*\*بلافاصله\*\*\*\*\*

ای دخت علی مکن تو غوغا  
باشد ز یزید حکم بر ما  
بر قتل حسین و یاورانش  
سازیم اسیر دخترانش  
برگرد و مزن به سینه و سر  
خوفم نبُود ز روز محشر

\*\*\*\*\*

زینب

ای شمر پاره جگر مصطفی است این  
مهر سپهر سلسله انبیاست این  
مهمانیش کنی و بُری تشنه لب سرش  
آخر نه میهمان دیار بلاست این  
قصّاب آب می‌دهد و صید خود کُشد  
آخر ذبیح کعبه کوی مناست این

\*\*\*\*\*

امام حسین

خواهر برو به خیمه که عمرم سرآمده  
عمرم تمام گشته اجل از درآمده

\*\*\*\*\*

### زینب

ای بی پناه بی کس و بی یار و یاورم  
ای نازنین برادر با جان برابرم  
حیف است خون حلق تو ریزند بر زمین  
یحیای من اجازه که طشتی بیاورم  
خواهند به خدمتت برسند کودکان تو  
بگرفته‌اند یکسره دامن چادرم  
برگو کنم چه چاره به یک کاروان اسیر  
من یک تن ضعیف و هزاران ستمگرند  
از کربلا چسان به اسیری روم به شام  
نه محمل و نه کجاوه نه عباس و اکبرم  
آرم چگونه تاب که لب تشنه پیش آب  
سر از تن تو شمر ببرد برابرم  
سیرم پس از تو جان برادر ز زندگی  
مردن هزار بار به جان تو خوشترم

\*\*\*\*\*

### امام حسین

خواهر برو به خیمه نگویند کوفیان  
زینب به قتلگه زار و مضطر آمده

\*\*\*\*\*

### زینب

صید حرم ز پای فتاده است آه و آه  
فریا یا علی و فغان یا محمداً  
ای اهل بیت خاک مصیبت بسر کنید  
سوی نجف علی پدرم را خبر کنید  
افتاده شورشی و تزلزل بما سوا  
آید بدادخواهی ما دشت کربلا

\*\*\*\*\*

### امام حسین

سوی خیمه برگرد خواهر حزینم  
تا بزیار خنجر ننگری چنینم

\*\*\*\*\*

### زینب

چون روم به خیمه شاه بی معینم  
بی تو ای برادر ای بغم قرینم

\*\*\*\*\*

### امام حسین

قسمت من و تو از ازل بلا شد  
تو بلاکش دهر من بلا نشینم

\*\*\*\*\*

### زینب

گشته ظاهر آخر آنچه قسمتم شد  
در مصائب دهر من بلانشینم

\*\*\*\*\*

### امام حسین

نیزه سنان است آمده به پهلوی  
تیر بلحنوق است خورده بر جبینم

\*\*\*\*\*

### زینب

چون تو را به پهلوی زد سنان سنائی  
راست شد اسیری بهر خواهرانم

\*\*\*\*\*

### امام حسین

من به قتلگاهم پیش نعش اکبر  
تو به خیمگه رو نزد عابدینم

\*\*\*\*\*

### زینب

چون روم به خیمه بی تو ای برادر  
بی تو ای برادر ای بغم قرینم

\*\*\*\*\*

### امام حسین

یا بیوش دیده تا مرا نبینی  
یا برو به خیمه تا تو را نبینم

\*\*\*\*\*

### زینب

کاش چشم زینب کور گشتی آخر  
شمر قاتلت را این چنین نبینم  
ای وای دگر ز مرگ یاران چه کنم  
سرگشته در این دشت و بیابان چه کنم  
امروز فتادهام بگرداب بلا  
با خیمه بی صاحب و یاران چه کنم

\*\*\*\*\*

### امام حسین

برو تا زیر شمشیرم نبینی  
همین ساعت به مرگم می‌نشینی  
برو خواهر حسینت رفت از دست  
برو خواهر که زهرا چشم من بست

\*\*\*\*\*

### زینب

چگونه دل ز تو بردارم ای نکو منظر  
چرا که امر تو فرض است بر تمام بشر  
روم بگفته تو من به خیمه‌های حرم  
ولی چه خیمه خدایا برس بفریادم  
شوید جمع شما طفل‌های زار حسین  
بدور عمه خود با هزار شیون و شین  
شدید جمله گرفتار در دبی پدری  
بزرگوار خدایا دمی بکن نظری

\*\*\*\*\*

### ابن سعد

خطاب من به شما ای گروه پر شر و شین  
ز نید آتش سوزان به خیمگاه حسین  
کنید خیمه و اموالشان شما غارت  
که تا به حشر بسوزند از این غم و محنت  
گر شد جهان ز کشتن این شه مرا بکام  
لیکن هنوز کار حسین است ناتمام  
یک عده از سپاه درین دم به امر من  
بندند نعل تازه به اسبان خویشتن  
از بهر آنکه بیش بسوزد دل زنان  
سازید پایمال بدن‌های کشته گان

\*\*\*\*\*

شمر



.....من

میروم

**امام حسین**

حیانما تو ایا ظالم از خدا و رسول  
برای کشتن من عالمی مساز ملول

\*\*\*\*\*

**شمر**

ایا امیر به من ده تو خنجر بران  
که سر جدا کنمش پیکرش کشم در خون  
سر حسین علی را به روی نیزه کنم  
ز ظلم پیکر پاکش هزار پاره کنم  
زنید طبل بشارت که کشته گشت حسین  
به دشت کربلا با هزار شیون و شین

\*\*\*\*\*

**آتش زدن خیمه ها و گذاشتن سرها به روی نیزه ها شروع می شود**

والسلام

التماس دعا

سی ام مهرماه ۱۳۹۴

ساعت ۱۱ شب مصادف با هشتم محرم سال ۱۴۳۷ هجری قمری

## اَشعار شام هَرِیپان

### سکینه

آندم که من از ناقه افتادم و غش کردم  
بابا تو کجا بودی از ما تو جدا بودی

### امام حسین

آندم که تو از ناقه افتادی و غش کردی  
من بر سر بالینت مشغول دعا بودم  
کی از تو جدا بودم

### سکینه

آندم که به روی خاک از ره بدویدم من  
بابا تو کجا بودی از ما تو جدا بودی

### امام حسین

آندم که به روی خاک از ره بدویدی تو  
من تشنه تلا بودم مشغول دعا بودم  
کی از تو جدا بودم

### سکینه

آندم که زدند دشمن آتش به خیام ما  
بابا تو کجا بودی از ما تو جدا بودی

### امام حسین

آندم که زدند آتش دشمن به خیام ما  
من زیر سم اسبان پاسبان جفا بودم

کی از تو جدا بودم  
سگینه

آندم که زدند سیلی بر صورت من دشمن  
بابا تو کجا بودی از ما تو جدا بودی

امام حسین

آندم که زدند سیلی بر صورت تو دشمن  
من پیش خدا بودم کی از تو جدا بودم  
کی از تو جدا بودم

\*\*\*\*\*

شام غریبان سحر ندارد سحر ندارد  
 آه یتیمان اثر ندارد اثر ندارد  
 ای داد و بیداد داد از جدایی داد از جدایی  
 صد داد و بیداد داد از جدایی داد از جدایی  
 لای لای لای لای لای لای لای لای

لایی لایی اصغر شیرین زبانم  
 لایی لایی اصغر آرام جانم  
 شاهان نظر کن بر شاه و زاده بر شاه و زاده  
 گفتار مادر از دست و داده از دست و داده  
 لای لای لای لای لای لای لای لای

لایی لایی اصغر شیرین زبانم  
 لایی لایی اصغر آرام جانم  
 امشب سکینه پدر ندارد پدر ندارد  
 باب از دل او خبر ندارد خبر ندارد  
 ای داد و بیداد داد از جدایی داد از جدایی  
 صد داد و بیداد داد از جدایی داد از جدایی  
 لای لای لای لای لای لای لای لای

لایی لایی اصغر شیرین زبانم  
 لایی لایی اصغر آرام جانم  
 عابدین فرمود ای عمه هایم ای عمه هایم  
 آتش گرفته این خیمه هایم این خیمه هایم  
 ای داد و بیداد داد از جدایی داد از جدایی  
 صد داد و بیداد داد از جدایی داد از جدایی  
 لای لای لای لای لای لای لای لای

لایی لایی اصغر شیرین زبانم  
 لایی لایی اصغر آرام جانم

# نسخه تعزیه و شبیه خوانی قتلگاه امام حسین (ع) نوقاب

هیئت امنای شبیه خوانی نوقاب

گردآوری مطالب و اشعار:

مرحوم حاج حسن رشید نوقابی

تهیه و تنظیم:

حاج محمد سازور - مهدی سازور - عبدالحسین طاهریان

تایپ و صفحه آرایی: مهدی دهقانی

۹۴-۹۰

التماس دعا

## فهرست نسخ - به ترتیب اجرای نقش

صفحه	عنوان
۱.....	محمد حنفیه.....
۲.....	امام حسین (ع).....
۴.....	حضرت عباس (ع).....
۶.....	زهیر.....
۸.....	ابن سعد.....
۹.....	حر.....
۲۱.....	ابن سعد.....
۲۴.....	زینب (س).....
۲۵.....	سکینه.....
۲۶.....	شمر.....
۵۰.....	حبیب.....
۵۳.....	مصعب.....
۶۳.....	مادر وهب.....
۶۴.....	وهب.....
۶۵.....	عروس وهب.....
۷۳.....	عابس.....
۷۶.....	شوذب.....
۷۸.....	علی اکبر.....
۹۴.....	طفلان زینب.....
۱۰۳.....	سکینه با علی اکبر.....
۱۱۳.....	ابن سعد و علی اکبر.....
۱۲۳.....	قاسم.....
۱۳۰.....	حضرت عباس (ع) و شهادتش.....
۱۴۸.....	وداع اول امام حسین (ع).....
۱۵۰.....	علی اصغر.....
۱۷۱.....	رقیه.....
۱۷۸.....	امام سجاد (ع).....
۱۹۱.....	عبدا.....
۱۹۷.....	ذوالجناح.....